

سال دوم دورۀ دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۳ مردادماه ۹۹ شماره ۸۸ تک شماره ۱۰ ریال

لغو سود ویژه و توجیحات وزارت کار

در صفحه ۳

رهبر

اتحادیه کارگری
روسیه تبعید شد

در صفحه ۵

طرح نظامی پناگون برای خلیج فارس

ندار کات جنگی دو ابر قدرت در منطقه
روز بروز افزایش مییابد

فادر نبود که در این منطقه از طریق ژاندارم خود، حضور نظامی داشته باشد و دیگر آنکه روسیه امپریالیستی با اشغال نظامی افغانستان و استقرار پایگاه دریائی و هوائی در جزیره اسکورتا در یمن جنوبی مرحله اول نقشه تسلط بر خلیج فارس را در عمل پیاده نمود و موجب بقیه در صفحه ۲

پس از سرنگونی رژیم منحوس پهلوی، امپریالیسم آمریکا با دو مشکل بزرگ در کانون خلیج فارس روبرو گشت. اول آنکه آمریکا دیگر

نخست وزیر و لزوم تفاهم

* تعیین نخست وزیر نتیجه تفاهم نبود لذا وظیفه ایجاد تفاهم همچنان باقی است

* سه انتقاد به آقای رجائی

طلبی! - در حالی که انحصار طلبی بعنوان یک انحراف جدی و مخل در ادامه انقلاب از همه سو مورد انتقاد است و روز بروز امواج مقاومت توده ها علیه انحصار طلبی برمی خیزد، آقای رجائی در یکی از سخنرانی های اخیر خود به دفاع آشکار از انحصار طلبی پرداخت و اظهار داشت که انحصار طلبی محصول انقلاب است!

بهر حال ما فکر میکنیم که مفهوم انحصار طلبی و اخلال آن در وحدت خلق و ادامه انقلاب برای اکثریت مردم ما روشن است و همه می دانند اسلام مبارز که آقای رجائی بعنوان مکتب خود از آن دفاع می کنند با انحصار طلبی که یک انحراف سیاسی است متعارض و مغایر است. انحصار طلبی "محصول" انقلاب نیست بلکه یک زائده ناموزون است که ناشی از بحران و هرج و مرج بعد از انقلاب امکان رشد یافته است و باید هر چه زودتر انتقاد و طرد شود وگرنه این زائده گندیده به روند اصلی انقلاب اسلامی و در درجه اول به اسلام مبارز لطامت جبران ناپذیری خواهد زد. بهر حال آقای رجائی مورد تأیید

کنار نهضت آزادی و شخصیت هایی چون مهندس بازرگان دارد و به همین مناسبت نیز سالها در زندانهای رژیم شاه اسیر بود.

آقای رجائی یکی از وزرای منتخب مهندس بازرگان در کابینه دولت موقت است که در تمام دوره دولت موقت و همچنین پس از سقوط دولت تاکنون در سمت وزارت آموزش و پرورش باقی مانده است. این موضوع بخصوص از این جهت قابل توجه و تعمق است که این روزها انصار طلبان انقلابیگران کاذب و انقلابی نماها از یکسو دولت مهندس بازرگان را مورد حملات شدیدی قرار میدهند و میخواهند گناه همه مشکلات را بگردن آن بیندازند

کشمکش و جدال بر سر انتخاب نخست وزیر با رأی اعتماد مجلس به آقای رجائی، موقتا "به پایان رسید. این کشمکش ظاهرا" میان طرفداران انتخاب نخست وزیر بر اساس تفاهم میان مجلس شورا و رئیس جمهور از یکسو و طرفداران انتخاب یک نخست وزیر تحت عنوان "قاطع و مکتبی" از سوی دیگر بود.

اکنون کلیه شواهد نشان میدهند که علیرغم خواست اکثریت عظیم مردم، این انتخاب نتیجه تفاهم نیست. خود آقای رجائی نیز در گفتگویی پس از انتخاب ایشان بسمت نخست وزیری تنها توانستند اظهار امیدواری کنند که اختلافات با رئیس

اکثریت قاطع مجلس قرار گرفت. اگر چه او پس از رای تمایل مجلس در یک گفتگو در پاسخ این سؤال که برنامه شما بقیه در صفحه ۲

حقوق دمکراتیک مردم و رهبری چریکها (اکثریت)

در صفحه ۶

تحصن کارگران کابل کش شرکت «اف. آی. اس» تهران

خوابگاههای کارگران

* پرداخت
۵ ماه دستمزد
عقب افتاده
* برآه افتادن
مجدد کارخانه

گفتگو با نماینده کارگران کابل کش

بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران و کارکنان کابل کش شرکت (اف. آی. اس) بدنبال یکسری تحصن و مبارزات بی دربی برای دریافت ۵ ماه دستمزد خود و روشن کردن وضع این شرکت بیکار دیگر در صبح روز ۱۸ مرداد ماه در جلوی دفتر ریاست جمهوری اجتماع کرده خواستار پرداخت دستمزد عقب افتاده خود شدند.

جمهوری بودند. آنها با اینکه یک نوع ناامیدی نسبت به وضع کارشان در آنها مشاهده میشد و نگران آینده خانواده خود بودند ولی مصمم و بیگبر برای دریافت حاصل دسترنج خویش به تحصن نشسته بودند. طبق گزارش خبرنگار رنجبر یکی از نمایندگان کارگران متحصن پس از پایان مذاکرات در اجتماع کارگران گفت: "تا شنبه آینده تکلیف این شرکت روشن می شود و دفتر ریاست جمهوری قول داده است که از طریق اداره مخابرات حقوق عقب مانده کارگران را

جمهوری صدر شوند. و این درحقیقت که مشکلات و بحرانهای جامعه چنان افزایش یافته‌اند که تنها با ایجاد حداقلی از تفاهم و توافق بزرگ برنامه حداقل می‌توان به غلبه کوه مشکلات امید بست. توده‌های مردم نیز با احساس خطر در برابر بحرانهای موجود و توطئه دشمنان انقلاب در هفته‌های اخیر احساسات خود را مبنی بر لزوم تفاهم بصورت‌های مختلف برانمودند. اما متأسفانه انتخاب نخست‌وزیر بدون در نظر گرفتن این واقعیات و بدون توجه به احساسات مردم صورت گرفت و به همین دلیل هم با عکس العمل مثبتی در میان توده‌ها روبرو نشد. مردم اکنون مدت‌ها است که در بیم و نگرانی بسر می‌برند و می‌پرسند سرانجام این انقلاب که بدست توانای همین توده‌ها به پیروزی رسیده و اکنون بزمنه‌های برای دعوای داخلی و زورآزمایی انحصارطلبان تبدیل شده است بچکا خواهد انجامید؟

ما براساس واقعیات فوق‌مجبوریم شانس موفقیت دولت جدید را در حل معضلات و بحرانهای موجود با شک و تردید تلقی کنیم و بر این نکته تأکید کنیم که وحدت، تفاهم و برنامه ریزی دقیق و حساب شده براساس سه اصل استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی همچنان در دستور کار قرار دارند و اگر انحصارطلبی در زمینه‌ها و سطوح مختلف منفرد و طرد نشود، اگر میان ارگان‌های مختلف حکومتی تفاهم و همبستگی ایجاد نکند، اگر نقش تعیین کننده توده‌ها در پیشبرد انقلاب عملی نشود و تصمیمات هم - چنان که روال چند ماهه اخیر بوده است در اطاق‌های در بسته، بدون مسورت و مشارکت مردم گرفته شوند، امید به موفقیت و پیشرفت وجود ندارد. ما به شروع کار دولت آقای رجائی با تردیدی که از ضرب‌المثل "سالی که نکوست از بهارش بیداست" نشئت گرفته، برخورد می‌کنیم و همچنان برای طرد انحصارطلبی و ایجاد وحدت و تفاهم مبارزه را ادامه خواهیم داد. بهر حال آقای رجائی اکنون نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران است و جا دارد برای آشنائی با ایشان، گوشه‌هایی از سوابق فعالیت‌ها و نظرات وی را مرور کنیم.

ما در اینجا سوابق فعالیت‌های آقای رجائی را که در مطبوعات کشور آمده تکرار نمی‌کنیم. همینقدر اشاره می‌کنیم که آقای رجائی سابقه نسبتاً طولانی در مبارزه علیه رژیم شاه، در

و بر سر دیگر در پافشاری خود در برابر رئیس جمهور برای تحمیل یک نخست‌وزیر مطلوب و "قاطع و مکتبی" باز هم جز همان شخصیت‌های کابینه بازرگان و تعداد معدودی که در یکسال و نیم اخیر بنوعی مصدراوری بوده‌اند انتخاب دیگری ندارند.

ما در تمام دوران دولت موقت و پس از آن هر جا عمل مثبتی انجام شده آنرا منعکس و برجسته ساختیم و حمایت بیدریغ خود را از دولت و مسئولین در رنجبر بیان کردیم. ولی در مورد آقای رجائی تاکنون در سه مورد برخورد انتقادی داشتیم. این سه مورد عبارت بودند از: ۱- دستور ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس - در این مورد نشان دادیم که چگونه این دستور حرکتی است بوروکراتیک که در اساس از موضع منافع سرمایه داران و بوروکرات‌های بزرگ ناشی می‌شود که از سیاسی شدن جوانان وحشت دارند. این دستور همانطور که انتظار میرفت با موج مخالفت جوانان روبرو شد و در عمل نیز کسی باین دستور تسلیم نشد.

۲- برخورد بوروکراتیک و از بالا به معلمین و محصلین بدون مسورت و نظرخواهی از آنها از جمله در مورد تعطیلی نوروزی مدارس و غیره. در این مورد نیز نشان دادیم که چگونه این شیوه برخورد حتی در مواردی که امر محقانه‌ای مطرح می‌شود، شیوه‌ای است نادرست، و ضد دموکراتیک و با روحیه انقلابی و آزادیخواهانه ملت‌ما مغایرت دارد.

آقای رجائی همین شیوه بوروکراتیک را در موارد دیگری مانند دستور جدا کردن معلمین زن از مدارس پسرانه، منطقه‌ای کردن مدارس برای محصلین هر منطقه و غیره نیز بکار برد که بهر حال کمترین آشنائی با اوضاع و امکانات مدارس کشور کافی نبود تا حداقل به غیر عملی بودن این امور از قبل پی برده شود.

در همه موارد فوق آقای رجائی ناچار به عقب نشینی و پس گرفتن دستورات گردید. این نمونه‌ها باید بخصوص برای انحصارطلبان نشان دهد که قاطعیت، جدا از اصولی بودن و برنامه داشتن وجود خارجی ندارد و "قاطعیت" بوروکراتیک و بی برنامه بطور عینی لیبرالیسم و هرچ و مرج را بدنبال خواهد آورد.

۳- دفاع صریح از انحصار -

کینه توزی نسبت به شخصیت‌های ملی از ضعف سیاسی انحصارطلبان سرچشمه می‌گیرد

مدتها بود که در میدان فردوسی سه تصویر برجسته از سه شخصیت برجسته ملی و مذهبی ایران اما خمینی دکتور مصدق و دکتور بنی صدر به نشانه سیاست‌گذاری و قسدر دانی از آنان نصب شده بود اما اخیراً نیمی از تصویر دکتور مصدق را بریده اند و تصویر سر او را قطع کرده‌اند. این اقدام نمونه‌ای کوچک

از اقدامات اخیراً انحصار طلبان علیه ملی گرایان مترقی است. عده‌ای انحصار طلب برای کسب قدرت و محو بیت بیشتر گناه تمام شکستها، بدبختیها و نابسامانیهای جامعه ما در طول تاریخ را به گردن دیگران و نیروها از جمله ملی گرایان می‌اندازند و تنها خود را وارث تمام می‌دانند. بقیه در صفحه ۶

در حاشیه کنگره آزادی قدس

تنها با همبستگی زیر پرچم نه شرقی، نه غربی میتوان پیروز شد

بچه جای نماینده جنبش افغانستان در هیأت رئیسه کنگره خالی بود

انقلاب فلسطین و مسایات گروهها و سازمانهای آزادیبخش توضیح داده شد. قطعه نامه همچنین خواستار تشکیل دبیرخانه دائمی قدس در تهران گردید.

در حاشیه برگزاری کنگره آزادی قدس لازم است به دو نکته مهم اشاره کنیم:

نکته اول مربوط به جنبش آزادی بخش مردم افغانستان است. مردم افغانستان هم اکنون در صف مقدم مبارزه علیه ابر قدرت جهانخوار شرق ایستاده‌اند و پیروزی عملی - و نه تنها در حرف - از شعار نه شرقی، نه غربی حکم میکند که به اهمیت پشتیبانی عملی از این جنبش توجه جدی شده و به نمایندگان این جنبش برخوردی در حد اهمیت آن

کنگره آزادی قدس با شرکت هیات‌های نمایندگی از ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین، اریتره و افغانستان و نمایندگان دعوت شده از احزاب و گروههای دیگر از کشورهای اسلامی از ۱۸ تا ۲۱ مرداد در تهران برگزار گردید و روز سه شنبه (۲۱ مرداد) با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. اگرچه انتظارات مردم ما و سایر ملل مسلمان از این کنگره چه از نظر روحیه همبستگی و چه از نظر نتایج عملی آن بسیار بیشتر بود.

در قطعه نامه ضمن دفاع از مبارزات خلق فلسطین و اشاره به استفاده از سلاح نفت و دستگاههای تبلیغاتی ملل مسلمان علیه صهیونیسم و امپریالیسم بین المللی، برخی از مسائل مورد بحث در کنگره درباره

بلا تکلیفی و عدم پرداخت حقوق ۵ ماهه خود از طرف مسئولیت اعتراض داشتند با بی صبری منتظر نتیجه مذاکرات نمایندگان خود با دفتر ریاست

کارگران افزود: " ما تا هفته آینده صبر میکنیم و اگر حقوق ما را نپرداختند به تحصن خود ادامه میدهیم . بقیه در صفحه ۲

گفتگو با رفیق عزیز نصیری پس از آزادی از زندان پس از دو ماه زندان هنوز هم دلیل دستگیری من نامعلوم مانده است

برخورد مسئولین زندان به رؤسای بیان فقیر خسرو تبار

و توهین آمیز است

رفیق عزیز نصیری که بدون هیچگونه دلیلی از نیمه خرداد ماه در دیوان دره کردستان دستگیر شده و پس از ۲ ماه و چند روز بازداشت اخیراً از زندان زنجان به قید ضمانت آزاد شده است، طی یک گفتگو با خبرنگار رنجبر جنگونی دستگیری و وضع زندان و برخوردهای مسئولین نسبت به زندانیان را تشریح کرده است که در زیر میخوانید: سؤال: با اینکه شما بعنوان یک آموزگار و دانشجو دیوان دره شده بودید، علت دستگیری و جکونگی ما چرا را برای خوانندگان توضیح دهید.

جواب: من یک آموزگار در دوره راهنمایی دبیرستان دیوان دره هستم. با انتشار یک اعلامیه از طرف لشکر قزوین در خرداد ماه و همچنین انتشار اعلامیه سیاه پاداران این شهر در تاریخ ۱۵ خرداد مبنی بر بازگشتن کلیه معلمین به دبستانها و دبیرستانهای کردستان من هم پس از مدت ها بیکاری و برای خدمت بمردم دانش آموزان به شهرداریون بشید در صفحه ۲

شود. اما به نظر می‌رسد که برای انحصار طلبان هیئت حاکمه و شخصیتها و نیروهای سیاسی وابسته بان، دفاع از مردم افغانستان اساساً خلعت موضع گیری لفظی داشته و برای خالی نبودن عریضه طرح میگردد، در حالی که در عمل نشانه چندانانی از حمایت به چشم نمی‌خورد. گوشه‌ای از این تضاد میان حرف و عمل را در انتخاب هیئت رئیسه کنگره قدس میتوان مشاهده کرد. در کنار جنبش آزادیبخش فلسطین که قهرمانانه علیه صهیونیسم و ابر قدرت امپریالیستی آمریکا می‌رزد، جنبش آزادیبخش مردم افغانستان بزرگترین گسترده‌ترین و پراهمیت‌ترین جنبش آزادیبخش در جهان است که سینه‌در برابر ابر قدرت امپریالیستی و سلف جوی روس سپر کرده است. توجه به گستردگی و اهمیت سیاسی و بین‌المللی جنبش آزادیبخش مردم افغانستان و همچنین عملی ساختن شعار نه شرقی و

بقیه در صفحه ۵

آیت‌الله موسوی اردبیلی

حمله به دفتر و مراکز گروه‌ها در خط امام نیست

آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور با ردیگر در گفتگویی در مورد حمله به مراکز گروه‌ها شرکت کردند و درباره حمله عناصر خودکامه به دفاتر و ادارات که زیر پوشش اسلام صورت می‌گیرد و اینکه عمل این عده چه تاثیری در روند انقلاب خواهد داشت اظهار داشتند:

"هرگونه هرج و مرج و بی نظمی، خدشه دار ساختن امنیت قضایی و مخالفت با موارد مطرح در قانون اساسی و قوانین روشن اسلام، صدمه و خسارت جبران ناپذیر به انقلاب میزند..."

ایشان در پاسخ سئوالی در مورد حمله ترگروه‌ها و مسائلی که باعث شد این مسئله در مقطع کنونی بیش آید و برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث افزود: "پاره‌های سخن‌رانی‌ها و تحریکات و مساعده بودن زمینه و اشتیاق مردم به اصلاح امور و شاید عوامل زیاد دیگری اینگونه مسائل را پیش می‌آورد..."

دادستان کل کشور درباره پیگیری نمودن این کارهای غیرقانونی با توجه به شرکت اشخاص در رأس این اقدامات گفت: "مسئله پیگیری

میشود. برای ما مهم نیست چه کسی حمله میکند، مهم نیست که چه کاری میشود آیا بر صلاح انقلاب و اسلام و کشور است یا نه؟"

آیت‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این سئوال که گروه‌ها و احزاب تحت چه شرایطی از نظر قانون اساسی میتوانند فعالیت بکنند اظهار داشت: "فعالیت سیاسی سالم دور از هرگونه توطئه و تحریک، البته باید این گروه‌ها با به کار بستن دستورات دولت و گذاردن به قوانین جاریه کشور مشروعیت خود را ثابت کند..."

ایشان در پایان سخنان خود افزودند: "آن چه خط امام است افشاگری گروه‌هاست، حمله به دفاتر و مراکز آنها در خط امام نیست"

اما علیرغم تذکرات مکرر دادستانی کل و اعتراض اکثر مسئولین و شخصیت‌های مملکتی هنوز به این اعمال غیرقانونی و خودسرانه ادامه داده شده و هنوز هم دفاتر ترگروه‌های سیاسی، در اشغال مراکز خودکامه است. سئوال ما از مسئولین اینست که چه کسانی مسئول رسیدگی به

پس از دو ماه زندان... از صفحه اول

دره رفتیم. بعثت مسدود بودن راه‌ها مجبور شدیم با یک مینی بوس و با توافق افراد دیگری که معلم بودند از راه بیجان حرکت بکنیم. وقتی که به مرکز عملیاتی سپاه پاسداران مراجعه کردیم یکی از افراد سپاه پاسداران که بعثت را مجرای سنجندج می‌شناخت، از من کارت شناسایی خواست

از گان حزب رنجبران ایران

تحصن کارگران کابل کش... از صفحه اول

مسئولین حاضر در جلسه از طرف اداره مخابرات گفتند که چون شرکت آمریکایی بوده و مهندسان آن رفتانند، کسی نمیتواند امور فنی شرکت را به پیش ببرد. ولی ما در جواب گفتیم که مهندسان و تکنیسین‌های ایرانی ما قادر هستند شرکت را برآه بیا نندازند و هیچ احتیاجی هم به مهندسان خارجی نیست.

در حالی که این موضع گیری نمایندگان از طرف کلیه اجتماع کنندگان مورد تأیید قرار گرفته بود کارگران به تحصن خود پایان دادند و بر خلاف ادعاهای عده‌ای یک بار دیگر ثابت نمودند که خواهان کار برای بالابردن تولید و در عین حال خواهان دستمزد عادلانه میباشند. مشق‌های گره کرده آنها نشان میداد که علیرغم پذیرفتن قول نماینده ریاست جمهوری در جهت حل این مشکل، بوعده‌های مسئولین دل نیست و برای دریافت حاصل دسترنج خود آماده برای مبارزه‌اند.

گفتگو با نماینده کارگران کابل کش

یکی از نمایندگان کارگران پس از پایان تحصن به سئوالات خبرنگار رنجبر پاسخ داد که خلاصه‌ای از آن را در زیر می‌آوریم:

شرکت (اف.آی.اس) که یک شرکت بیجانگاری آمریکایی برای نصب کابل‌های تلفن بود، در ۳ سال قبل توسط بانانقلیح‌ها تأسیس شده و با ۱۵۰ هزار تومان سرمایه یک قرار داد ۳۲۰ میلیون دلاری با اداره مخابرات بسته است. در این شرکت ۱۱۵۰ نفر کارگر، کارمند، تکنیسین و مهندس کار میکنند.

پس از انقلاب در مهرماه ۱۳۵۸ محمد بانانقلیح یکی از سهامداران معروف، شخصی بنام حکیمی را به عنوان قائم مقام این شرکت تعیین می‌کند و شرکت تا آخر ماه به کار خود ادامه میدهد. در آذر ماه ۵۸ وقتی که حکیمی از ایران فرار می‌کند با هوشیاری کارکنان شرکت و توسط سپاه پاسداران دستگیر شد و پس از آن بدست ۱ ماه، شرکت توسط کارکنان اداره شد. تا اینکه در بهمن ماه ۵۸ یک حکم از طرف دادستان به شرکت صادر گردید

و غیره... و بعثت تبلیغات غلط از طرف عده‌ای و شاخه‌های پراکنی‌های دشمنان انقلاب شروع به برجسب زنی میکردند و ادعا میکردند که من با حزب دمکرات رابطه دارم. بسا اینکه آن جوان یا سدا را در دستگیری من نقش فعالی داشت ولی فرمانده سپاه و غیره نیز با توجه به قبول مواضع درست ما تنگ نظری میکردند و بیخیز از خود به کسی اعتماد نمیکردند.

سرپرستی شرکت به بنیاد مستضعفین داده شده است.

این شرکت در حدود ۱۲ میلیون تومان بعنوان سپرده آزاد در بانک موجودی داشت و این پول به حکم دادستانی و بنیاد مستضعفین از بانک دریافت شد و حقوق عقب مانده کارگران تا اول اسفند ماه ۱۳۵۸ به کارگران پرداخت گردید، اما از اول عید تاکنون حقوق ۵ ماه کارگران پرداخت نشده است و امروز کارگران در این وضع گرانی و بیکاری هیچ پولی در بساط ندارند و کار شرکت هم خوابیده است.

ما کارگران پس از مراجعات زیادی به دفتر امام، دادستانی و بنیاد مستضعفین بدفتر ریاست جمهوری مراجعه کردیم و بدنبال یکسری تحصن و اعتراض و با اصرار زیاد دفتر ریاست جمهوری توافق نامهای بین اداره مخابرات و بنیاد با ما رسید و مبلغ ۲۰ میلیون تومان برای پرداخت حقوق و ادامه کار شرکت پرداخت شد که از آن، مبلغ ۶ میلیون تومان برای حقوق فروردین ماه کارگران و هزینه‌های دیگر پرداخت گردید که بقیه آن به حساب بنیاد در بانک موجود است.

نماینده کارگران ضمن تشریح کارکنی‌های متعدد توسط برخی از مسئولین امور افزود: "این شرکت در حدود ۱۰۰ میلیون تومان از اداره مخابرات طلبکار است و هر وقت که ما کارگران برای دریافت این پول به مخابرات مراجعه کرده‌ایم از طرف آنها کارکنی شده و در جواب بما گفتانند که مخابرات این ۱۰۰ میلیون تومان را به بانانقلیح‌ها بدهکار است"

خلاصه اینکه میلیون‌ها تومان جنس و وسایل کار در انبار شرکت خوابیده، در صورتی که همه کارگران خواستار کار هستند و میتوانند شرکت را برآه بیا نندازند فقط بعثت کارکنی‌های بعضی از مسئولین، شرکت تعطیل شده و ۱۱۵۰ کارگر با خانواده‌های آنها در فقر و گرسنگی بسر می‌برند."

وی در پایان سخنانش افزود: "امیدواریم که فعالیت‌های نماینده رئیس جمهوری به نتیجه برسد و همراه با پرداخت حقوق کارگران شرکت بکار خود ادامه بدهد و ما بتوانیم به انقلاب خدمت بکنیم. ما کارگران تصمیم گرفته‌ایم که اگر خواستهای ما تا شنبه آینده عملی نشود مجدداً به تحصن خود ادامه دهیم و تا احقاق

اخبار نیروهای سیاسی

اتحادیه کمونیستها: باید هشیار باشیم در مقابله با آمریکا

بهدامان شوروی نیفتیم!

"اتحادیه کمونیستهای ایران" در اعلامیه‌ای که به مناسبت ۱۴ مرداد، روز مشروطه منتشر کرده است، پس از تشریح انقلاب مشروطه، نقش توده‌های مردم و محرومان در آن و دستاوردهای انقلاب، به درسی‌هایی که با ایداز این انقلاب آموختند اشاره میکنند.

"اتحادیه کمونیستها" در این اعلامیه به گوش‌های قدرتمندی بزرگ استعمار آن زمان یعنی روسیه تزاری و انگلیس در راه به شکست کشیدن انقلاب مشروطه اشاره کرده و می‌نویسد: "قدرتمندی آمریکا و شوروی امروز مانند روس و انگلیس در دوران مشروطه با یکدیگر در رقابتند. ما باید هشیار باشیم که در مقابله با آمریکا ای جانی‌تکا را این دشمن اصلی انقلاب ایران بدامان دشمن دیگر نیفتیم."

"اتحادیه کمونیستها" سپس به تبلیغات انقلابیانه دا رودسته‌ها و انقلابی و مزدور گیانوری در حزب توده اشاره کرده و می‌افزاید: "مروزم بنگاه دلالی شوروی در ایران موعظه وحدت با شوروی را برای انقلاب ایران سر داده و متأسفانه بسیاری را به هیزم کشی برای ارتجاع حاکم در شوروی کشانده است. اگر شاگرد و فادار مکتب انقلاب اول هستیم، باید از شکستی که بر آن انقلاب یخاطر مماشات در برابر امپریالیسم انگلستان تحمیل شد، درس بگیریم و از این دام دشمنان

گامدست ۲ هفته در دیوان دره بازداشت شدم چون هیچ دلیلی برای بازداشت من نداشتند و بلا تکلیف مانده بودم اجازه ملاقاتی به کسی ندادند. پس از دو هفته مرا با اتفاق چند زندانی دیگر به مرکز عملیات سیاه در زنجان منتقل کردند.

سؤال: برای دستگیری شما چه دلایلی ارائه میدهند؟
جواب: در همان روز - های اول از طرف پاسداران بمنزل من رفتم و با شکستن در و پنجره آن وارد اتاقم شده و کتابها و نشریه های مرا پاره کرده بودند و با خود برده بودند. از جمله یک خطه ای من که با دونفر از دوستان معلم آن شهر که کربد بودند در عکس هم لباس کردی بتن داشتند با خود برده بودند. البته دلیل حمله بخانه من از میان بقیه معلمین هنوز برای خودم هم روشن نیست و نمیدانم چه افرادی در این ماجرا دست دارند ولی این جوان پاسدار که مرا از سنج می شناخت اصرازی بود در دستگیری و بازجویی من داشت. دیگر اینکه یک "استشهاد" با امضا چند نفر که دروغ محض بود بهمراه داشتند مبنی بر اینکه من اخلالگر هستم و با حزب دمکرات رابطه دارم و دیگری برجسها.

از همان ابتدای بازجویی نقطه نظرهای من را در مورد انقلاب ایران و همچنین در مورد حزب دمکرات، کومله و جریکهای فدایی می پرسیدند و من هم مواضع خودم را در مورد خط نه شرقی نه غربی و اینکه حزب رنجبران خواهان یک ایران مستقل و متکی بخود است و از انقلاب ایران پشتیبانی میکنند توفیح میدادم. با اینکه فرمانده سیاه و یکی دیگر از پاسداران مسئول این مواضع را منی پسندیدند ولی بعلت اینکه صف بین خلق و دشمن مخدوش شده بود و آنها نمیتوانستند باور کنند شروع به بهانه جویی کردند و میگفتند که پس چرا کتابهای کمونیستی میخوانی

برای دستگیری من نداشتند ولی تحت عنوان تحقیق بیشتر مرا به زنجان بردند. در بین راه که با زندانیان دیگر میرفتیم همان جوان سیاهی در پیجا ر جلوی میخی بوس را گرفت و با توهین و برچسب های متعدد سعی در تحریک من میکرد و با فحش و ناسزا فریاد میزد که شما "مائوئیست ها" توطئه گستر هستید و میگفت که دادستان سنج غلط کرده است که تورا آزاد کرده اگر من بودم با یک گلوله شما را میکشتم و اگر به گزستان بیایی من خودم ترا می کشم و غیره.....

بنظرم میرسد که این جوان یا از جاهای دیگر تحریک شده بود و یا اینکه میخواست با این کارها خود شیرینی کرده و با اصطلاح "قاطعیست" نشان دهد.
پس از دو هفته که در زنجان بلا تکلیف بودم از طرف دادستان زنجان بازجویی غم و دویاره همان سؤال و جوابها بود. مواضع راستین حزب رنجبران در همه جا تا خبر خودی را می گذاشت و گاهی اوقات برای بازجوها تعجب آورنی بود. وقتی که نتیجه بازجویی را از دادستان پرسیدم و هم میگفت که چیز مهمی نیست و تا ۳-۴ روز دیگر آزاد خواهی شد. ولی متاسفانه پس از رفتن او تا مدت یک ماه و نیم کسی از علت بازداشت من ابلاغی نداخت و هیچ مراجعهای از طرف آنها نمیشد. من چندین بار به این وضع اعتراض کردم و در نهایت بوسیله یکی از پاسداران زندان اعتراض مرا به مسئولین رساندم. آنها میگفتند که از نظر ما هیچ گونه اشکالی موجود نیست و باید آزاد بشوم. اما یک نفر به آنها تلفن کرده بود و جریان دستگیری من در سنج را یادآوری کرده بود و پیشنهاد کرده بود با یک تحقیق بیشتری از دیوان دره و سنج بعمل بیآورند. اما گوشها گمکان بی نتیجه ماند و همگی میگفتند که بیهمسود و قسم را در اطاق زندان تلف

آورده بودند خیلی بد بود. در زندان دیوان دره روستائیان را کتک میزدند و یک روستایی بیچاره را نقد زده اند که پیرمرد بیهوش شده بود و در حالیکه از سرورویش خون جاری میشد با دستهای بسته بروی زمین افتاده بود. در زندان زنجان نیز به روستائیان اذیت و آزار زیادی میکردند. یکی از امام جمعه های یک روستای بزرگ که سنی بود و بعلت اینکه فرزندانش با حزب دمکرات رابطه دار و یا اینکه نفوذ زیادی در دهه دار دستگیری کرده بودند، پاسداران با او توهین میکردند و با وگا فرس میگفتند.

بگفته افراد دیگری این امام جمعه در ۱۵ خرداد ۱۳۲۵ ز طرف رژیم دستگیر شده بود و ۴ ماه در زندان بودی با اینکه به شیوه برخورد پاسداران و بعضی مسئولین اعتراض داشت ولی از انقلاب ایران پشتیبانی میکرد. برخورد آنها در زنجان هم نسبت به من خوب بود و جز یک مورد هیچگونه درگیری نشد.

یک روزی آن پیرمردی که در دیوان دره کتک خورده بود حالش وخیم شده بود منی از زندانیان خواستم که او را به دکتر ببرند معالجه بکنند. ولی کسی توجه نمیکرد تا اینکه من یکی از پاسداران اعتراض کردم و آن پاسدار هم به من حمله ور شد و با فحش و ناسزا به دستهایم زد و چند ضربه هم به سر و گردنم وارد کرد و رفت. متاسفانه با زخم به حال بیمار رسیدگی نمیگردد. تا اینکه پس از چند ساعت همان پاسدار مجدداً وارد اطاق ما شد و در حالیکه برای پشیمانی میکرد از من معذرت خواست. در مجموع میتوان گفت که هیچ گونه فایده ای برای دستگیری افراد وجود نداشت و هر چه و مرج شدیدی حاکم بود.

سؤال: بنظر شما این برخوردهای پاسداران با زندانیان و روستائیان فقیر چه تاثراتی بر روی انقلاب

طرح نظامی پنتاگون..... از صفحه اول

تشدید رقابت دوا بر قدرت در این منطقه شد.

در نتیجه مقامات پنتاگون با ارزیابی از اوضاع تغییر یافته خلیج فارس طرح نظامی جدیدی را برنامهریزی کرده اند که شامل ۳ رکن اساسی میباشد:
- گسترش پایگاه نظامی جزیره دبه گوگاریا بعنوان تنها پایگاه ثابت آمریکا در خلیج فارس و آمریکا در حوضه خلیج فارس و اقیانوس هند.
- استفاده از تجهیزات هوایی و دریایی پایگاههای موجود در مصر، کنیا و عمان.
- تقویت توان نظامی نیروی ویژه ضربتی صدهزار نفره (۱- در مورد جزیره دبه گوگاریا، آمریکا در صدد است با هزینه یک میلیارد دلار، ایستگاههای فرودگاه و تسهیلات بندری آن را تکمیل و گسترش دهد و از هم اکنون نیز در حال ارسال تسلیحات نظامی ویژه ای به این جزیره می باشد. طبق

میگزارد؟ آیا علت این سخن برخوردها چیست؟
جواب: بنظر من یک روحیه ملیت پرستی در پاسداران حاکم شده است و این روحیه با عقاید مذهبی نیز مخلوط شده است. اکثر پاسداران شیعه هستند و زمینه تحریک مذهبی در آنها مساعد است. آنها فکر میکنند که میتوانند همه چیز را بازور و گلوله حل کنند. بهمین دلیل هم در بعضی از موارد همه روستائیان کرد را که سنی هم هستند بعنوان دشمن می بینند و به همه برچسب حزب دمکرات میزنند. در صورتیکه واقعیات بگونه ای دیگر است و همه روستائیان پایگاه حزب دمکرات نیستند این روحیه سبب میشود که نارضائیهای موج شود در کردستان زیادتر شود و دشمنان انقلاب بتوانند سوء استفاده کنند

آخرین گزارشات خبرگزاریهما اکنون هفت گشتی شامل مهمات سنگین (توپ، تانک) و مواد غذایی در راه این جزیره هستند.

۲- آمریکا پس از مذاکرات متعدد با یکسری کشورهای آفریقایی و آسیایی، توانست اجازه استفاده از بنادر و پایگاههای امداد در مصر، کنیا و عمان را دریافت کند. همچنین آمریکا تسلیحات نظامی شامل جت های جنگنده اف-۴ را نیز به مصر تحویل داده است و در حال استقرار پایگاههای در مصر در منطقه راس بنالس که در دریای سرخ واقع است میباشد. طبق گفته وزیر دفاع آمریکا، قرار است بودجه ویژه ای برای تکمیل تسهیلات جزیره صیر (عمان) و کنیا تخصیص داده شود.

۳- طرح نیروی ویژه ضربتی صدهزار نفره که حدود سه سال قبل ریخته شده بود در سال گذشته به مرحله عمل درآمد و بنا بر مریزی جدید تعداد نفرات آن به ۲۵۰/۰۰۰ نفر رسیده است. بودجه ای که آمریکا برای نیروی ضربتی در نظر گرفته است ۵ میلیارد دلار در عرض ۵ سال آینده میباشد. هم اکنون نیروی دریایی آمریکا در حال تدارک و تهیه لوازم مورد نیاز این نیرو می باشد. بطور مثال قرار است گشتی اس-اس آمریکا را به یک بیمارستان نظامی ۵۰۰ تخت خوابی تبدیل نموده و در اختیار گروه ضربت قرار دهند. تنها جرم روسیه به خلیج فارس و تدارک آمریکا برای مقابله با آن، رقابت جنگ افروزان دوا بر قدرت را تشدید میبخشد و جهان را به آستانه شروع جنگ جهانی سوم نزدیک تر میسازد. کلیه کشورهای منطقه میباید متحد و با اعمال فشار دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را مجبور سازند که نیروهای نظامی خود را از این منطقه بیرون کنند و حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند را به منطقه صلح و منطقه بیطرف در رقابت ابر قدرت ها تبدیل نمایند.

نخست وزیر و لزوم..... از صفحه اول

چیت، گفت هنوز هیچ برنامه ای ندارد و این برای نخست وزیر کنونی بحران زده که در درجه اول به برنامه ریزی دقیق نیاز دارد، نکته مثبتی نیست، اما بهر حال بزودی کابینه جدید تشکیل خواهد شد و ما شاهد برنامهها و عملکردهای آن خواهیم بود. همانطور که گفتیم مسئله ایجاد تفاهم و همکاری بین نهادهای ملکتی حول یک برنامه سیاسی در خدمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی همچنان در دستور کار است و باید به این امر مهم چه در برنامه ریزی و چه در انتخاب وزراء و مسئولین توجه جدی شود.

ما همچنان از کلیه جوانب مثبت و عملکردهای دولت آینده که در خدمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد قاطعانه و بی دریغ حمایت خواهیم کرد.

رنجبر ما ها نه (۵)
بجای خلق
ارگان
سیاسی - تئوریک
حزب رنجبران ایران
منتشر شد.

رنجبر
ارگان حزب رنجبران ایران
ساحب امتیاز در ده پیر: فرامرز دلیری
مدیر مسئول: علی حجت
تألیف: دفتر رنجبران شمال یکی
از مراکز خودکامه است.
تألیف: پستی: تهران - ستاد پستی
۱۳۰۱-۲۱۴
مخاطب: پستی ۱۵
چاپ زندگی

لغو سود ویژه و توجیهات وزارت کار

اخبار کارگری - دهقانی

بیکاران جذب کارخانه‌ها میشوند

بر اساس ماده واحده‌ای که اخیراً به تصویب شورای انقلاب رسیده است، کارخانجات موظف هستند که از بین افراد بیکار، عده‌ای را استخدام نمایند. سهمیه هر کارخانه ۵ درصد تعداد کارکنان فعلی آن کارخانه خواهد بود. به همین خاطر هم جلسهای با حضور معاون اشتغال و بهره‌وری وزارت کار و کارشناسان این وزارتخانه و تعدادی از مدیران کارخانجات در محل دفتر وزیر کار تشکیل شده و اطلاعاتی درباره نحوه استخدام افراد بیکار به مدیران واحدهای تولیدی داده شده است.

در استخدام بیکاران، اولویت به کسانی داده می‌شود که نام آنها در لیست اسامی بیکاران در وزارت کار موجود است. همچنین گفته شده است که اینکار صرفاً تحت نظر وزارت کار بوده و مدیران کارخانجات به هیچ وجه حق استخدام افراد بیکار را بدون تأیید وزارت کار نخواهند داشت!

این اقدام در زمانی صورت می‌گیرد که موج اخراجهای جمعی کارگران بالا گرفته است. آیا استخدام افراد بیکار برای جایگزینی آنها بجای بیکاران نیست؟!

اجتماع کارگران کابل کش تلفن در مقابل دفتر رئیس جمهور

بیش از ظهر روز شنبه ۱۸ مرداد، کارگران و کارمندان شرکت "فورتیس ایکس کنستینان تال" (اف. ای. سی) در مقابل ساختمان دفتر رئیس جمهوری اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند.

تعدادی مبنی بر بوس کارگران را به این محل آورده بود و کارگران شمارهایی با خود حمل میکردند که خواسته‌های خود را روی آنها نوشته بودند.

آنها قبلاً نیز با رها به "بنیاد مستضعفین" که سرپرستی شرکت را برعهده دارد، مراسله کرده و خواستار پرداخت چند ماه حقوق معوقه خود شده بودند.

آنها در اعتراض به عدم رسیدگی به وضع خود، از روز چهارشنبه ۸ مرداد در محل دفتر شرکت در خیابان کریمخان متحصن شده‌اند. کارگران در نتیجه مبارزه و فشاری روی خواست بحق خود در تیرماه موفق به گرفتن یک ماه از حقوق معوقه خود شدند و اکنون مدتی است که برای گرفتن بقیه حقوق پرداخت نشده خود، مبارزه می‌کنند.

اخبار مبارزات کارگران این شرکت که کابل کشی تلفن را در سطح تهران انجام می‌دهد است، قبلاً در "رنجبر" های ۷۴ و ۸۵ منعکس شده است.

رانندگان و کمک رانندگان

اتوبوسهای خارج شهر پیروز شدند

کارگرانی که با دریافت "سود ویژه" و "عیدی" و "پاداش" و غیره و غیره هم، زندگی سی خود را نواخته‌شان تا همین نمیشد و هشتاد و نه سالگی بود، پس از حذف "ایین چیزه‌ها، با کم شدن دستمزدشان بادل خوش و رفاهیت خاطر به کار ادامه خواهند داد؟

شما زمانی قسمتی از دستمزد کارگران را حذف میکنید که مردم ما درگیر مبارزه با دشمنان غدار داخلی و خارجی هستند و امیرالیه‌ها بویژه دوا بر قدرت امریکا و شوروی و نوکران و عوامل رنگ به رنگ آنها - روز و شب علیه این مملکت توطئه میکنند.

در چنین شرایطی، جبهه تولیدی یکی از مهمترین جبهه‌های جنگ است. شما به جای تامین زندگی کارگران و بهتر کردن وضع آنها، با نارضی کردن آنها و حذف قسمتی از حقوق آنها انتظار دارید که کارگران از این جبهه محافظت کنند؟

شما چیزی را که کارگران در دروازه سیاه حکومت شاه با مبارزه و به زور به دست آورده‌اند از آنها می‌گیرید. و با اینکار رتان و با ایجاد نارضایتی در بین کارگران و بهم ریختن کارخانه‌ها، عملاً در مبارزه ضد امیرالیه‌ها مردم ما اختلال میکنند و جبهه تولید، این مفاد اول مبارزه با امیرالیه‌ها را تضعیف میکنند!

کارگران وقتی مشاهده میکنند که با آنها اینطور رفتار میشود. با کدام دلخوشی از این جبهه محافظت میکنند؟

نمیخواهند و نمیگذارند که وضع مملکت سروسامان بگیرد و نمیگذارند اقتصاد در راه بیفتد. بنا بر این با حفظ این بحران و حتی تشدید آن، با رآن را باید روی دوش مردم و از جمله کارگران انداخت. امروز نوبت کارگران است. فردا نوبت دیگران است.

واقعیتها و توجیهات

طبیعی است که وقتی دولت از تهیه و تنظیم بودجه برنامهای و به کار گرفتن عوامل تولید و سرمایه‌ها و سامان دادن به اقتصاد مملکت عاجز باشد، جنبش برنامهای را بپایه کند. او برای توجیه آن هم با چاره‌هاست که "دلایلی" بتراند. بای طاغوت را به میان بکشد و از آن برای توجیه اجحافی که به کارگران میکند بهره برداری نماید.

واقعیت این است که دولت با مشکلات اقتصادی متعددی دست به گریبان است. راه چاره راه نمیداند و نمیتواند و نمیتواند نیکی‌گذارند کاری بکنند. بنا بر این به جان کارگران می‌افتد و لقمه غذا را از دست‌تن و بچه‌ها می‌گیرد. با این تصور که با این عمل قادر خواهد شد که بر مشکلات موجود غلبه نماید. و بعد برای اینکه عده‌ای کارگران در نیاید، از "طاغوتی بودن" سود ویژه حرف می‌زنند و اینکه "قانون آن استثماری است" و "منافع کارگران را تامین نمیکند". چرا آقایان همان جا خودشان را الو میدهند: "چون ۸۰ کارگراها دولتی است پس این سودآوری به کس..."

بسیاری از کارگراهای دولتی شده نه تنها سود نداشتند بلکه ضرر هم میدادند. "و" از نظر سودآوری هم چون ۸۰ درصد کارگراهای دولتی است پس این سودآوری به کس کس چه بر میگشت و نمیتوانست تنها به چند کارگر تعلق بگیرد و از طرفی روز بروز با عبث افزایش قیمتها میشد.

استدلالاتی که هیچ ربطی به ادعاهای بالامینی بردل سوزاندن برای منافع کارگران، ندارد و اگر این حرفها را با ادعاهای فوق، مقایسه کنیم، به واقعیتی که در پشت لغو سود ویژه "نهفتند" است پس می‌بریم:

واقعیت چیست؟

واقعیت این است: که یک بولی تا به حال به اسم "سود ویژه" به کارگران پرداخت میشده است و حالا میخواهند آن را قطع کنند. و چون این "بول" در حال حاضر به صورت جزئی از دستمزد کارگران در آمده، قطع آن کمی مشکل است. و آقایان مجبورند عمل خود را با آوردن یک سری "دلایل" به نوعی توجیه کنند.

چگسی این پول را میدهد؟ سرمایه‌دار. این سرمایه‌دار هم سرمایه‌دار خصوصی است و هم سرمایه‌دار دولتی! دعوی بیین بین سرمایه‌دار و کارگر همیشه بوده و تا زمانی که سرمایه‌دار وجود دارد این دعوی باقی است. در جامعه سرمایه‌داری، نیروی کار "بمورت یک کالا" خرید و فروش میشود و در آن خانه، ده شده...

وزیرکار و موراجتماعی در یک مصاحبه اختصاصی بنا به خبرگزاری پارس در رابطه با لغو سود ویژه ادعا کرده است: "لغو قانون سهم‌گرفتن در سود کارخانه‌ها منفع اکثریت کارگران است". او مدعی شده با پولی که در جهت اصلاح "تامین منافع کارگران از باب لغو این قانون" پرداخت میشود، "نه تنها در آمد کارگر کم نشده بلکه افزایش هم یافته است!!"

وزیرکار، این نظر کارگران را که "بالغوا این قانون به نفع سرمایه‌دار عمل شده است"، نادرست خوانده و با سو استفاده از گفته‌های کارگران که گفته‌اند "قانون سهم‌گرفتن یک قانون استثمار بوده است"، اکنون "شهادت" خود را در "لغو این قانون" که به ادعای او "سودی برای مستضعفان نداشتند است"، به رخ کارگران میکشد!

وزیرکار، همین مطلب را در ملاقاتی که با گروهی از اعضای "شوراها" اسلامی کارخانجات تهران و حومه داشته، نیز تکرار کرده است و وزیرکار در این ملاقات گفته: "قانون سهم‌گرفتن... گرچه به ظاهر در جهت سهم‌گرفتن کارگران در سود کارخانجات عنوان گردیده بود ولی در عمل هیچگاه به این صورت نبوده و وجهی که عملاً به کارگران پرداخت میشد به صورت نوعی کمک مزد بوده است."

مشابه حرفهای وزیرکار را، "مدیرکل سهم‌گرفتن وزارت کار نیز در مصاحبه مطبوعاتی خود، تکرار کرده است. او هم گفته: "در آن زمان برای جبران حداقل دستمزد کارگران که مبلغ کمی بود

درصد برای ماندن پولی صورت مستمر به کارگردهند... این مبلغ پرداختی جزئی از مرد بود.

سود و بهره :

ارثیه طاغوت یا جزئی از مزد کارگران؟

وزیر کار و مدیرکل سهام کردن، هر دو اعتراف میکنند که سود ویژه، "جزئی از مزد" کارگروا "نوعی کمک مزد" بوده است. منتها پشت سر آن اضافه میکنند که: "در جهت محو آثار طاغوت بعد از نظرخواهی از کارگران و کارشناسان به این نتیجه رسیدیم که این قانون تا مین کنندده منافع کارگران نیست و باید لغو شود." (مصاحبه وزیر کار با خبرگزاری پارس).

دلایلی که این آقایان برای لغو سود ویژه ارائه میکنند با هم تناقض دارند ولی چنانکه خواهیم دید همه آنها به یک هدف خدمت میکنند و آنهم جفاف به کارگران و حذف همین "جزئی از مزد" آنهاست. به دلایل آنها توجه کنید:

آقایان از یک طرف ادعا میکنند که این قانون "بیک قانون غلطی بوده که میبایست لغو شود"، "استثمار بیسوده" به نفع کارگرنیوده، "تامین کنندده منافع کارگران نبوده" و نیازی به وجود چنین قانونی احساس نمیشده و "سودی برای مستضعفان نداشته" و غیره و غیره.

ولی از میان این ادعاها میتوان به واقعبیت های دیگری پی برد که در پشت این الفاظ فریبنده پنهان شده است.

آنها از جمله گفته اند: "در سال ۱۳۵۸ اکثر کارخانه ها ضرر کردند." و یا "سال گذشته دولت بابت حق سهم مبلغ گزافی از بیت المال به کارگران پرداخت چسبن

کارگری یعنی فروشنده نیروی کار و سرمایه دار یعنی خریدار آن برسر "قیمت" نیروی کار همیشه دعوا و مبارزه است. کارگر میخواهد نیروی کارش را به قیمتی عا دلانه تر بفروشد و سرمایه دار هم سعی میکند آن را به نازل ترین قیمت بخرد.

در اینجا هم سرمایه دارها (دولت و بخش خصوصی) برسر لغو "سود ویژه" و یا به اعتراف خودشان "جزئی از مزد" کارگران و در واقع برسر قیمت نیروی کار، با کارگران سرشاخ شده اند، چرا؟ به دلایل زیر:

اول - چون هرچه کمتر به کارگر برسد، سهم سرمایه دار (دولت و بخش خصوصی) بیشتر میشود.

دوم - با وضعی که در حال حاضر در کشور ما وجود دارد و صنایع در دست دولت است، بنا بر این دولت مستقیماً با کارگران طرف شده است و چون خودش قانونگذار هم بوده است بنا بر این "قانونی" را که فکر میکند به ضرر خود اوست لغو میکند تا نفع بیشتری عاید شود.

سوم - از طرف دیگر با اعتراف خود مسئولین کارخانه ها در سال گذشته ضرر میداده اند. بنا بر این در صورتیکه این حرف صحبت داشته باشد، سود سرمایه داران که با دولتی شدن کارخانه ها خود دولت بزرگترین آنهاست هم کم شده است. پس سرمایه داری دولتی سعی میکند با لغو سود ویژه و در واقع با حذف قسمتی از دستمزد کارگران، این ضرر را "عدم نفع" را بنوعی جبران نماید.

چهارم - و بالاخره این یک واقعیت است که به هزارویک دلیل، دولت با مشکلات بزرگی دست بگریبان است. اقتصاد دولتی در برهه خورده، بحران اقتصادی پیدا میکند. و در یک کلام پولی در کار نیست. پس چه باید کرد؟ باید از دستمزدها زد چرا؟ چون عوامل اخلاص که در سطح حاکمین وجود دارند

چشمه بر میسد و میسرود تنها به چند کارگر تعلق بگیرد" لب مطلب اینجاست! آسمان و زمین را با هم بافتن ها همه برای توجیه همین، یعنی قطع این چیزی است که تاکنون "به چند کارگر تعلق می گرفته است" و حالاً "دولتی شدن" کارخانجات "قطع باید گردد".

راه غلبه بر مشکلات توجیه به کارگران است!

ولی آیا با این کارها دردی دوا میشود؟ آیا

بسرند؟ شما به بیراهه میروید و با پیاده کردن این گونه برنامه ها به انقلاب لطمه میزنید. راه غلبه بر مشکلات، منتقل کردن بار بحران بر دوش کارگران نیست. راه آن، بالا بردن تولید از طریق داشتن برنامه اقتصادی مشخص به کارخانجات عوامل تولید و بسیج کلیه امکانات و در یک کلام: سرمایه مان دادن به وضع اقتصادی مملکت است.

برای تحقق این کار هم باید، مهمترین عامل تولید یعنی کارگران را مورد توجه قرار داد، دستمزد واقعی آنها را پرداخت و زندگی خود را نواددهایشان را تامین کرد.

تظاهرات خیابانی کارگران اعتصابی در آرانیا

به دنبال بالا گرفتن موج اعتصابات کارگری در "آرانیا"، کارگران اعتصابی به خیابانها ریخته و با پلیس نزاد پرست اقلیت سفید پوست حاکم درگیر شدند. این تظاهرات چند روز است که به طور متوالی ادامه دارد. در هفته گذشته حدود ۳۰۰۰۰ کارگر تظاهر کننده با پر تپان سنگ به طرف وسائط نقلیه مانع از حرکت آنها شدند. این کارگران اکثراً رانندگان وسائط نقلیه عمومی از قبیل اتوبوس و ... و همچنین مامورین حمل زباله می باشند. تظاهرات کارگران وضع شهر را به کلی در هم ریخت. در این تظاهرات یک پلیس خود فروخته سیاه و یک بازرس اتوبوس به سختی مجروح شدند. در شهر "گراهامزتن" در نزدیکی "زوهانسبورگ" نیز در مراسم تشییع جنازه جوان سیاه پوستی که توسط پلیس کشته شده بود در اثر تیراندازی پلیس ۴ سیاه پوست دیگر کشته شدند. به قول خیر گزاریهای موق، در ماه گذشته در این شهر در بزرگداشت چهارمین سالروز شورش خونین دانش آموزان و مردم شهر "سووتو" حدود ۲۴ نفر کشته و ۹۰ نفر نیز زخمی شده اند. شهر "گراهامزتن" مرکز تحریم مدارس از سوی سیاه پوستان به عنوان اعتراض به سیستم تبعیض نزادی در مدارس دولتی این کشور بوده است. از سوی دیگر خیر گزارری رویتر، وقوع "درگیریهای قبیلای" بین کارگران معدن طلا و کشته شدن ۱۱ نفر و مجروح شدن ۱۶ نفر را گزارش کرده است. میهن پرستان "آرانیا" که در تحت سلطه نظام فاشیستی تحمیلی توسط یک اقلیت نزاد پرست اروپایی که میهن آنها را در اشغال خود دارد، به سر می برند قدم به قدم برای رهایی از سلطه این اقلیت و نیل به استقلال ملی کام برمی دارند. عمر حکومت های استعماری به سر آمده است و زمان طلوع خورشید آزادی بر فراز معادن طلا و کانی های این کشور نزدیک شده است.

در جلسه ای که در این روزها در آرانیا و کنگر رانندگان و کنگر رانندگان کامیون و اتوبوسهای خا رچ شهر با رئیس جمهور بنی صدر و مسئولان وزارتخانه های بازرگانی و راه داشتند، مشکلات رانندگان و کنگر رانندگان مطرح شد و تصمیمی در این زمینه گرفته شد.

این جلسه به دنبال اجتماع رانندگان و کنگر رانندگان در روز سه شنبه ۱۴ مرداد در مقابل دفتر رئیس جمهوری، تشکیل شد. رانندگان در اجتماع خود از دولت خواسته بودند که با کامیونهای صادره شده را در اختیار آنها قرار بدهد و با کاربرایشان ایجاد کند. ("رنجبر" ۸۶).

بر اساس تصمیمی که در جلسه فوق الذکر گرفته شد، کامیونهای صادره شده متعلق به دولت خواهد بود و شرکت های حمل و نقل موظف به استخدام رانندگان و کنگر رانندگان بیگانه شده، نخواهند بود. ترتیب کار رها بین نحوخواهد بود که وزارت بازرگانی یک مدیر برای راه اندازی کامیونهای متعلق به شرکت حمل و نقل که زیر نظر "شرکت خدمات بازرگانی" هستند، معین نموده و در ظرف ۱۰ روز کمبود راننده را در کل شرکت مشخص خواهد کرد و رانندگان مورد نیاز مطابق قوانین وزارت کار رها استخدام شرکت های حمل و نقل درخواهند آمد.

خرید گندم از کشاورزان خوزستان

اهواز - سازمان تعاون روستائی خوزستان اعلام کرد که تا پایان وقت اداری دوشنبه ۶ مرداد، ۲۲،۶۲۸ تن گندم، ازاد بر مصرف کشاورزان از طریق ۵۰ مرکز خرید در سطح استان از طریق ماموران این سازمان خریداری و تحویل سیلویهای اهواز، اندیمشک، بهبهان و شوشتر گردیده است.

مدیر عامل و شورای اسلامی کارخانه چیت ممتاز ۱۱ نفر از کارگران را بدون دلیل اخراج کردند

روزنامه انقلاب اسلامی، نام ۱۱ نفر کارگران اخراجی چیت ممتاز را که به دفتر این روزنامه مراجعه کرده اند چاپ کرده است. کارگران مذکور در نامه خود یادآور شده اند که: "ما کارگران امیدوار بودیم که حق کسبی و زورگوشی علیه ما کارگران حدا قتل در جمهوری اسلامی انجام نپذیرد ولی با کمال تاءسف دیده میشود که با زهم ما را بدون دلیل اخراج میکنند. ما چند نفر از کارگران کارخانه چیت سازی ممتاز واقع در خیابان فدائیان اسلام بدون هیچ دلیلی بوسیله مدیر عامل شورای کارخانه اخراج شده ایم". کارگران در قسمت دیگری از نامه خود، ضمن شکایت از تهمت های ناروایی که به آنها زده شده، تقاضای اعاده حیثیت کرده اند.

کارگران گفته اند که طبق دستور شورای اسلامی کارخانه پس از اخراج شده به وزارت کار مراجعه کرده اند ولی در جلسه ای که برای رسیدگی به این موضوع در وزارت کار تشکیل شده، شما ینده کارفرما حاضر نشده است و لذا بیرونده به بازرسی ارجاع شده است.

در صحنه سیاست خارجی

هدف، منروی کردن دوا بر قدرت است

"در جهان ما دو جبهه است: دو جهان متفاوت در حال جدالند. یکی جبهه انقلاب (شرق) و دیگری جبهه امپریالیسم و ارتجاع (غرب)".

جبهه انقلاب جهانی (بسر کرده‌گی روسیه)، جبهه امپریالیسم و ارتجاع را (بسر کرده‌گی آمریکا) در سراسر جهان هر روز گامی بیشتر به عقب میراند." (روستا مه مردم - شماره ۴۵۲ - مقاله انزوا و استقلال). این تصویری است که در رودسته‌کیا نوری از اوضاع کنونی جهان وصف بندی اساسی آن ترسیم کرده است. دارودسته‌کیا نوری با حرکت از چنین تصویری اضافه میکند:

"در چنین جهان نسی، برای جنبش‌های رها نسیخش دورا به بیشتر وجود ندارد، یا باید در درون سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی و وابسته به آن باقی ماند (وابستگی بفریب) و از استقلال واقعی چشم پوشید و یا به جبهه انقلاب جهانی پیوست (وابستگی شرق). (نقل قول از همان مقاله)

دارودسته‌کیا نوری برای آنکه جای هیچگونه تردیدی باقی نگذارد و تکلیف انقلابیها بی چون انقلاب ایران که از همان ابتدا هم علیه شرق و هم علیه غرب موضع داشته اند و مبارزه کرده اند را معین کند بطور زیر بار سبب تحلیل خود می‌افزاید:

"در دوران ما بنسبت اتفاق می‌افتد که کشوری که در آن انقلاب پیروز شده است برای سالیان درازی بتواند موضعی "میان" (موضع نه شرقی، نه غربی) اختیار کند و در عین مبارزه با امپریالیسم (مبارزه با استقلال) از طریق فدیت با نیروهای مترقی (مبارزه با بر قدرت شرق) به ارتجاع جهانی نیز یاری رساند."

"چنین موضعی (نه شرقی نه غربی) است. آنکه به دست

که این وظیفه را در شرایطی که بنظرشان تسهیلات بیشتری برای تحقق آن موجود است به پیش می‌برند. گفتیم که طرح چنین نظریه‌ای از طرف رهبری حزب بوده بهیچ وجه تا زگی ندارد، جوهر فکری چنین تحلیلی از اوضاع بین المللی تنها به رهبری حزب توده و تبلیغات گذشته و حال وی مربوط نمیشود. جوهر اصلی تبلیغات دارودسته‌کیا نوری درباره وضع جهان، اساس فکری همه وابستگان به شرق و غرب و موضوع اصلی تمام تبلیغات دوا بر قدرت را تشکیل میدهد. شاه مظلوم و معدوم نیز ما نندکیا نوریها بر این عقیده بوده که دو جبهه اصلی را در جهان امروز شرق و غرب تشکیل میدهد و خارج از حیطه آنان وجود ندارد. این دو جبهه پدیده‌ای دیگر موجود نیست. این هماهنگی فکری دارودسته‌کیا نوری از ایدئولوژی سرمایه‌داری وابسته ایران سرچشمه میگردد که با تبلیغات سرمایه‌آورد آنرا مدتهاست در سطح جامعه رواج داده و تلاش کرده اند به فکر توده‌ها این معنی را تزریق نمایند.

بی جهت نبود که شناسه خائن هر حرکتی را که خلاف جبهه غرب و رژیم خود میدیده روسیه داشته اند مدانست و در حجت

جمل واقعیات

فوق الذکر و بر پایه‌های نتیجه شده از آن برای سیاست خارجی، همانا کوشش برای با نقیاب کشیدن ایران و وابسته نمودن کامل کشور ما به قدرت هاست. و با توجه به ماهیت یکسان سیاست خارجی شاه و سیاست خارجی پاندم کیانوری است که مردم آگاه و مبارزان ایران دائماً فریاد میکنند: "ما انقلاب نگردیم که آمریکا بروی روسیه بیاید."

اما این فریادهای استقلال طلبانه نه شرقی نه غربی را که می‌بایست اساس سیاست خارجی ایران را تشکیل دهد با نندکیا نوری موهوم و غیر واقعی ارزیابی میکنند و آنرا نتیجه برابری نیروهای متضایل به شرق و غرب در جامعه میداند!

دارودسته‌کیا نوری که بویی از استقلال طلبی نبرده است و سرسپرده و گماشته بیگانه است، استقلال طلبی توده مردم و استقلال طلبی حکومت ایران را نسی میکند و آنرا نتیجه وابستگی دو جانبه به شرق و غرب می‌نامد. آنچه وقاحت و بیخردی که در این گفتار رنفته است.

طلبی دوا بر قدرت، علیه امپریالیسم، سوسیالیسم امپریالیسم، صیونیسم فاشیسم و نژاد پرستی را بوجود آورده اند. در این جبهه گسترده که ایران نیز متعلق به آن است اگر چه هنوز وابستگی‌های بدین یا آن بر قدرت در سطوح اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و نظامی موجود است. آنچه که حقیقت را تشکیل می‌دهد آنچه که خصومت اساسی این کشورها را تشکیل میدهد و آنچه که رشد می‌یابد و جملو می‌رود، این ضعف‌ها نیست، بلکه گرایش عمومی موجود در این جهان برای نابودی سلطه‌گری دوا بر قدرت است.

هستند نیروهای در کشور ما که بخاطر فقر و تشویر و سیاهی خود و یا انحرافات و عقب افتادگی‌های کسه بدان مبتلایند، قادر نیستند چنین پدیده تاریخی را درک کنند و بدلیل وجود برخی وابستگی‌های در جهان سوم، و گزینجیری ابر قدرت‌ها می‌نامند و عملاً در منجملات همان تفسیر و تحلیلی که شاه خاشن وکیا نوری مزدور از اوضاع بین المللی ارائه میدهند، سقوط میکنند. آنان در حقیقت زمینه ساز مقبول شدن فکری منحنه و تبلیغات فدا انقلابی

جهان دوم

را که مخالف انزوای ایران در سطح بین المللی است لکن مال کند زیرا عمیقاً علاقمند به انزوای بین المللی ایران است. چرا که انزوای ایران در سطح جهان در حال حاضر بر ابراست با سقوط کشور ما به دامان ابر قدرت روس. روسها جوانان ما را جویا نسه را در سیاست خارجی ایران با می‌کنند تا روابط ایران با کشورهای جهان تیره شود، در معضلات اقتصادی - سیاسی ناشی از آن در بحال نیم و آنگاه خود بعنوان فرشته نجات بسند گردن ما طناب بیا نندازند و به طرف خود ببرد.

حقیقتاً سوسیالیسم امپریالیستی ها که نوکران نشان خواهان قطع رابطه ایران با کشورهای جهان سوم نظیر پاکستان و کشورهای جهان دوم نظیر اروپا هستند در دست اینجاست که این سخنها را تنها برای ایران تجویز می‌کنند. اگر چنین قطع رابطه‌ها و تیرگی روابطی بزع آنها انقلابی است پس چرا رژیم‌های دست نشانده و پوتالی وابسته به روس که به چوب دست منکسو میرقمند هم چون رژیم بزرگ کارمل که با دعای روسها کاملاً انقلابیست خود از آن بیخبری نندیک کند؟ ۹ ماه است سوسیالیسم امپریالیسم روس همدا هم‌رهای خود را بکار انداخته تا شرایط شنا ساشی و برقراری رابطه بین پاکستان و رژیم کارمل و اروپا و رژیم کارمل را فراهم سازد. از کوبا، ویتنام و دیگر اهرمهای خود در خاور میانه سود جستند، آنرا برای گوشه و کنار جهان فرستاده تا مگر شرایط ایجاد چنین روابطی را فراهم سازد. پس در اینجا نیز کاسه‌های زیرینم کاسه است. نسخه‌ای که برای ایران تجویز می‌کنند هدف دیگری را دنبال میکنند و آن کمک به سیاست خارجی روسیه است.

وجود جنبه سومی (جنبه شرقی، نه غربی) در کنار دو جنبه اصلی (جنبه شرق و جنبه غرب) در جهان ما باشد، نشان دهنده برابری نیروهای متقابل به انقلاب (شرق) و ارتجاع (غرب) در این کشورها است.

چوب تکفیر!

با ندکیانوری که اینروزها در جامعه انقلابی ایران به چوب تکفیر بعضی نیروهای سیاسی دیگر نیز بدل شده در همین زرادخانه ایدئولوژیک - سیاسی خراطی شده است. امروزه بسیاری از نیروهای استقلال طلب سیاسی و مذهبی کشورمان که بخاطر تجاوات و جنایات بی حد و حصر سوسیال امپریالیسم، علیه وی جنبه مبارزاتی گشوده اند بیگانه "آمریکایی بودن" و "وابسته به غرب بودن" محکوم میشوند و چنین پدیده ای خیر از رواج افکار منطقی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی در طرز تفکر برخی گروه های سست عنصر در ارتباط با مسئله استقلال میدهد.

"آمریکا برود روسیه بیا پیدا"

در تفسیری که در روسته شاه مزدور و آلوده خائن کیا نوری از وضع بین المللی میکنند ضرورت وابستگی به بیگانه و مخالفت با استقلال ایران عنصر اصلی و تشکیل دهنده که گاملا مشترک است. تفاوت، در نتیجه گیری از چنین وضعی است که این نتیجه گیریها نیز اگر چه در ظاهر متعارف هستند لیکن در ماهیت دقیقاً یکسانند. رژیم شاه از زمین دوجبه مورد نظر جنبه آمریکا را انتخاب کرده بود و برای امپریالیسم آمریکا نوکری میکرد و ایران را به آن ابر قدرت وابسته کرده بود و در روسته کیا نوری برای روسیه نوکری میکنند و تلاش میکنند تا ایران را وابسته به این ابر قدرت بنمایند.

دارو دسته کیا نوری به اشاره اربابان سوسیالیست امپریالیست برای جدا انداختن طرح ننگین خود برای سیاست خارجی ایران واقعیات دنیا را جعل میکنند و در تحلیل مشعشانهاش درست همان جنبه را حذف میکنند که وجود و در روز افزون آن ناقص مرگ و نابودی و نیستی دوا بر قدرت توسعه طلب و سلطه گس را بمداد آورده است و آن گرایش عظیم، گسترده و تاریخی است که بعنوان واکنش در برابر استعمار، توسعه طلبی، تجاوز و جنایات ارباب وی و رقیب ارباب وی در عصر حاضر پیدا رگشته است و آن گرایش خلقها، ملتها و کشورهای جهان برای انقلاب، رهائی و استقلال است.

جهان اول

آنچه را که رهبری حزب توده همه واقفیت جهان امروز مینامد، همه جهان نیست بلکه فاسدترین و گندیده ترین چیز جهان امروز است. جهان اول، جهانی که دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه آنرا تشکیل میدهند و برای آقایی بر دنیا و گسترده سلطه بلامنازع خود بر آن سر سخنانه با هم رقابت میکنند.

جهان سوم

و آن حقیقت مشترک که در روسته کیا نوری به تبلیغات ننگین خود بر وی آن برده ما ترمیکنند جهان سوم است. جهانی که اکثریت عظیم کشورهای جهان آنرا تشکیل میدهند. کشورهایی که به درجات مختلف دیگر حاضر نیستند بیخ آمریکا و روسیه را بپذیرند و میخواهند مستقل از دوا بر قدرت زندگی کنند. و جامعه خود را بجلوسوق دهند. تقریباً تمامی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین متعلق به این جهانند که نیروی عمده مبارزه علیه سیاست

کشورهای اروپا و چین، هند و استرالیا یا چین دوگانگی گدرد بالا ذکر شد جهان دوم را تشکیل میدهد که علیه رژیم روابط غیر عادلانه ای که با اکثر کشورهای جهان سوم دارند در زمینه مبارزه با سلطه دوا بر قدرت تحت شرایطی میتوانند در کنار جهان سوم قرار گیرند. دارو دسته کیا نوری وجود جهان دوم را نیز نفی می کنند و همه کشورهای جهان دوم را نیز وابسته به دوا بر قدرت میدانند. در کنار دارو دسته کیا نوری که عا مدا "مناشرا زایدشولوزی" و جهان بینی مرتجع ترین نیروهای جهان کنونی وجود جهان دوم و گرایش مثبت این کشورها برای بیرون آمدن از زیر سلطه دوا بر قدرت را ندیده میانگارند، برخی نیروهای دیگر - بدلیل متنوع - فاقد توانائی درک چنین پدیده ای هستند و عملاً آب به آسیاب سوسیال امپریالیسم می ریزند و نا بدیدون آنکه حتی خود میخواهند برای طرح پیشنهادی سیاست خارجی از طرف دارو دسته کیا نوری رای جمع می کنند.

اصول سیاست خارجی که حزب توده تجویز میکند و بر پایه جعل واقعیات جهان امروز مبتنی است در دو کلمه خلاصه میشود: راهی بجز وابستگی به یکی از دوا بر قدرت موجود نیست. وابستگی به آمریکا را تجربه کرده ایم چیزی نصیب نبردیم و اکنون نوبت گام نهادن در راه دوم یعنی وابستگی به روسیه است.

انزوای ایران

دارو دسته کیا نوری در مقاله ذکر شده در روسته کیا نوری "مردم" به کسانی حمله میکنند که مخالف منزوی شدن در سطح بین المللی هستند و آنانرا رهروان راه سرمایه داری و وابستگی به غرب میدانند و اینجانبها را نه به تحریف نظریات نیروهای استقلال طلب ایران می بردا زد. دارو دسته خائن حزب توده تلاش میکنند تا نظریاتی

آیا بدلیل برخی وابستگی ها میتوان گرایش عظیم استقلال طلبانه در کشورهای جهان سوم را ندیده گرفت؟ این در حقیقت درخت را دیدن و جنگل را ندیدن است. مثلاً ایران خودمان را در نظر بگیریم. ایران یکی از کشورهای مهم جهان سوم است. آیا ایران کاملاً مستقل است؟ هیچ انسان واقع بین باین سؤال پاسخ مثبت نمیدهد. هنوز اقتصاد ما، فرهنگ ما و بسیاری دیگر از شؤونات جامعه ما در سطوح مختلف وابسته اند. انقلاب ما هنوز نتوانسته است وابستگی ها را بطور کامل از بین ببرد و تا مدتها هم نخواهد توانست باین مهم توفیق یابد. اما آیا صحیح است که بر پایه وجود جنبه وابستگی هایی، ایران را در جنبه ای جدا از ابر قدرت ها ندانیم. مسلماً نه! زیرا این تنها یک جنبه قضیه است. جنبه دیگر همانا گرایش انقلابی و آشنین توده مردم و حکومت ایران برای قطع همه وابستگی ها و ساختن ایرانی مستقل و متکی بخود است. و درست همین جنبه اخیر است که روندتکا مل تاریخی جامعه ما را تشکیل میدهد. و این همان جنگلی است که برخی ها بخاطر تنگ نظری خویش قادر به تماشایش نیستند!

وضع دیگر کشورهای جهان سوم نیز با تفاوت های کوچک و بزرگی مشابه وضع ایران است. آنها هم سوسیالیست امپریالیسم را میبیرند و هم بخاطر وجود سوسیالیست و این وضع و بعنوان واکنش نسبت به آن گرایش بسوی استقلال و علیه سلطه خارجی در آن ها رشد می یابد. برخی از این کشورها دولت ها بپایان به اندازه رژیم ایران استقلال طلب نیستند و ضعف و سستی دارند. در برخی دیگر ملت ها بپایان به اندازه ملت ما هنوز آگاهی ضعیف

منزوی کنیم

هدف اصلی سیاست خارجی روسیه انزوای بین المللی آمریکا و بر قدرت رقیب است. روسیه میخواهد آمریکا را منزوی کند تا بجای وی شرایط آقایی در جهان را برای خود فراهم کند.

آمریکا نیز تلاش میکند تا روسیه را منزوی و منفرد کند و افکار عمومی جهان را ضد او بسیج کند تا بتواند رقیب را در محنه مبارزه تضعیف نماید. نسخه پیشینهای دارو دسته کیا نوری هر قدر که در خدمت همین رقابت است و موضع روپها را در این جدال تقویت میکند. آیا سیاست درست در

دنیای سیاسی ایران چیست؟ حزب رنجبران ایران معتقد است: بر اساس واقعیات کنونی جهان و اصل اساسی سیاست خارجی ما یعنی شرقی، نه غربی، ایران انقلابی در محنه بین المللی نه تنها نباید خود را منزوی سازد، بلکه می بایست در اتحاد با دیگر کشورهای جهان سوم و جلب جهان دوم، شرایط انزوای کامل و ابر قدرت آمریکا و روس را فراهم سازد.

هر حرکت دیپلماتیک و سیاسی ایران در محنه بین المللی باید با این مبارزه تاریخی ز که در خدمت ادامه انقلاب ایران و در خدمت نجات بشریت مشرقی از یوغ سلطه گرانجی دوا بر قدرت است خدمت کند. اوضاع بین المللی جنایات بیشتر دوا بر قدرت و رشد روز افزون جهان سوم شرایط عینی برای پیروزی در این مبارزه را فراهم ساخته اند.

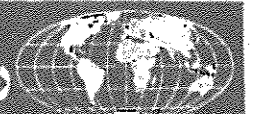
ما انقلاب کردیم که آمریکا را بیرون کنیم تا روسیه بیاید ما انقلاب کردیم که در اتحاد با همه نیروهای ضد توسعه طلبی و سلطه گرانجی دوا بر قدرت را براندازیم و روابط کنونی جهان را بطور کامل دگرگون سازیم. تخطی از این اصل تخطی از اصول اساسی انقلاب ایران است.

دولت ائتلافی: توطئه جدید رژیم ببرک کارمل

خبرگزاریهای جهان از دهلی نو گزارش میدهند که رژیم پوتالی ببرک کارمل قصد دارد یک دولت با صلاحیت ملی مرکب از جناح "پرچم" و شخصیت‌های غیرحزبی و غیر "چپی" تشکیل دهد تا از طرفی جای اعضای جناح تصفیه شده خلق را پر کند و از طرفی دیگر بخيال خود جناح‌های بیشتری را بدون دولت جلب نماید. این مانور در زمانی صورت میگیرد که رژیم سرسپرده ببرک کارمل بیش از پیش در محاصره بین المللی و حتی در بین بعضی از جناح‌های حاکم در داخل نیز منزوی و منفرود شده است.

از جمله در هفته‌های اخیر تضاد و اختلاف بین دو پانسیون مزدور و خائن "پرچم" و "خلق" بالا گرفته و به جنگ‌های مسلحانه خیابانی کشیده شده است. این دعواها وقتی با وج خود رسید که فرمانده لشکر چهاردهم زرهی افغانستان که متعلق به پانسیون "خلق" بود توسط کارمل برب کنا شد و یکی از افسران "پرچمی" بجای وی به مقر این لشکر در غزنی فرستاده شد، افسران طرفدار فرمانده "خلق" علیه این تعویض سربه شورش گذاشتند و حاضر به پذیرفتن فرمانده جدید نشدند. دیپلمات‌های خارجی در کابل گزارش دادند که بدنبال این شورش هلی کوپترهای توپدار روسی به این پادگان شتافته و شورش را سرکوب کردند. در پادگان "پل چارکسی" نیز عده‌ای از افسران طرفدار "خلق"ها "بهاتهام افسانام برای کودتا دستگیر شدند و نقشه

دفتر اطلاعاتی شوروی در کراچی تعطیل شد




سربازان دولتی که به جبهه مبارزین افغانی پیوسته اند. عکس از دیوید گلاین، خبرنگار حزب کمونیست (م-ل) آمریکا

است. اما بنا بر گزارش مطلقین سیاسی افرادی که با پیوستن "جبهه" فراخوانده شده اند به جای پذیرش دعوت فرار را بر قرار ترجیح داده و به هند پناهنده شده اند. این توطئه قطعاً اولی و آخرین توطئه ببرک کارمل و اربابش علیه خلق رزمندگان افغانستان نیست. در همین دو سه ماه اخیر نیز ببرک کارمل ادعا کرد که "مسلمان" شده و به قوانین اسلامی نیز احترام می‌گذارد. به همین جهت او از "مسلمانان" دعوت کرد تا به دولت وی بپیوندند. این بار نیز در زمانی که این توطئه طرح می‌شود که ارتش وی از ۸۵ هزار نفر به ۳۰ هزار تقلیل پیدا کرده و او عملاً

سیر میبرد خیر تمهیدی را از طریق راديوهای خارجي شنيدند. سوريه که ۴۶ سال دارد، بیش از ۹۰ سال از زندگی سیاسی خوش را در زندانها و بیمارستانهای روانی گذرانده است. وی اولین بار در سال ۱۹۴۰ (۱۹۶۰) بجرم شرکت در اعتصاب با رانندگان دستگیر و زندان افکنده شد. امسال نیز برای سومین بار در خرداد ماه دستگیر شد که بدلیل موج اعتراضات اتحادیه‌های کارگری جهان و همچنین اعتراض کنفرانس جهانی

اقتصادی

«بنیاد مستضعفین» چرا

کامیونهای صادره شده را بهرانندگان بیکار نمیدهد؟

چندی پیش مدها را ننده و کمک را ننده کامیون و اتوبوس با اجتماع در مقابل دفتر رئیس جمهور خواهان رسیدگی به وضع خود و ارجاع کار شدند. اینها که عضو سندیکای رانندگان و کمک رانندگان بودند اظهار می‌داشتند که پس از انقلاب تاکنون تقریباً در تمام مدت بیکار بوده‌اند و دولت می‌خواهد که با به آنها کار بدهد و کامیونهای صادره شده را در اختیارشان بگذارد تا بتوانند با آنها کار کنند.

از سوی دیگر در همان روزهای اجتماع رانندگان کامیون در مقابل دفتر رئیس جمهور، اداره راه و هواپیمایی بنا در جنوب بسا صدوا طلاعیهای از کلیه کامیونها را ن تقاضا کرده که هر چه زودتر برای حمل کالاهای تخلیه شده در بسا در بهوشهر، بندرعباس و بندر خمینی مراجعه کنند. زیرا مقدار زیادی از کالاهای تخلیه شده مانند غلات، علوفه، کود و کالاهای صنعتی به سبب کمبود کامیون نمیتوانند به مراکز مصرف حمل شوند.

در همین حال وضع بسیاری از کامیونهای صادره شده از شرکتیهای حمل و نقل طاغوتی و وابسته که در حال حاضر در دست "بنیاد مستضعفین" هستند هنوز نا روشن است.

این نابسامانی و هرج و مرجع نشانگر چیست؟ از یکطرف مدها را ننده بیکار رند، از یکطرف بنا در با کمبود شدید کامیون روبرو هستند. و از طرف دیگر "بنیاد مستضعفین" حاضر نیست مدها کامیون معادله شده را از مالکیت خود خارج کند. از سوی دیگر تقاضاهای جنگ وجدالهای میان دستکارها اجرائی و نهادها بی چون "بنیاد... امکان نمیدهد که بتوان چنین مسائلی را به نفع "مستضعفین" حل کرد. در همین حال حکومت هم هیچ قانونی و هیچ برنامهای برای پایان دادن به این تعدد مراکز حمل مسائل بر اساس منافعی زحمتکشان ندارد.

آنطور که تجربه ۱۷ ماهه پس از پیروزی انقلاب نشان میدهد این هرج و مرجع و خودکامگیها، جریان بی‌استرین و رگه برخاسته از منافعی طبقاتی جناح‌های مختلف حکومتی است. در نتیجه حمل آنها با بدبسیج توده‌ها علیه توطئه‌گری، انحمارطلبی و قدرت طلبی مبارزه کرده و صرفاً به توضیح مسائل اکتفا ننمود.

بعامت عدم موفقیت در برنا ماهه پیش بینی شده

روسیه از ژاپن فولاد میخورد

ا بر قدرت سوئیا امیریا لیستی روسیه در نظر دارد بهای مای یک قرار داد بایک گروه از بزرگترین کمپانیهای ژاپنی ظرف ۵ سال آینده در حدود ۷/۵ میلیون تن صفحه ولوله فولادی از این کشور خریداری کند. روسیه فولادهای خریداری شده را از محصولات ژاپنی رادرنایح کشتی سازی ولوله‌کشی گاز مورد استفاده قرار خواهد داد. بانک صادرات و واردات ژاپن برای انجام این معامله ۲۵۰ میلیون دلار وام در اختیار ا بر قدرت شوروی قرار میدهد.

دولت پاکستان با اتحاد مواضع علیه توسعه طلبی روسها و پشتیبانی از مبارزات خلق افغانستان، خشم مقامات کرملین را برانگیخته است. بطوری که فعالیت جاسوسان روسی و توطئه های گ. گ. ب. در چند ماه اخیر در پاکستان افزایش یافته است. اخیراً فاش شده است که فیکر کبیر روسیه در پاکستان بنام "ساروار کسیف" هنگام پرداخت مقادیر متناسبی پول بیکی از ماهنات های طرفدار روسیه در لاهور مورد شناسایی قرار گرفته و دولت پاکستان بوی اخطار میدهد. همچنین در زمان برگزاری کنفرانس اخیر وزرای کشورهای اسلامی مقادیر کمی مطبوعات و اعلامیه که از طرف دفتر اطلاعاتی شوروی منتشر شده بود کشف شد. این تبلیغات بنا بود منظور شایعه برانگیزی و ایجاد جو بدبینی در کنفرانس پیش شود. در این مورد نیز دولت پاکستان بدفتر اطلاعاتی اخطار دوم را میدهد و آخر الامر مجبور به بستن این دفتر میگردد. آسیف نیز قرار است بزودی پاکستان را ترک کند.

بودجه ویژه نظامی آمریکا تصویب شد

سنای آمریکا اخیراً لایحه یک بودجه ویژه نظامی ۵۲/۸ میلیارد دلاری را برای ساختن بمب افکن های جدید استراتژیک تصویب نمود. بمب افکن های جدید که از سال ۱۹۸۷ جایگزین بمب افکن های ب-۵۲ قدیمی آمریکا خواهند شد، قادر به پرتاب موشک های هوا به زمین نوع کروزر و ریختن بمب های هسته ای و غیره است ای خواهند بود. این لایحه همچنین یک میلیارد دلار از بودجه تصویب شده را به افزایش حقوق برخی از نظامیان آمریکا تخصیص داده است. این لایحه در سال گذشته از طرف کارتر بمیزان ۴۵/۹ میلیارد دلار به سنا پیشنهاد شده بود که با توجه به اوضاع متشنج جهانی ناشی از تشدید رقابت جنگ افروزان دو ابر قدرت شوروی و آمریکا و توسعه طلبی جهانی شوروی سنای آمریکا ۶/۹ میلیارد دلار بیشتر از آنچه که کارتر پیشنهاد داده بود تصویب کرد.

تدارک مبارزین آریتره ای برای مقابله با جنگ شیمیایی

چریکهای مبارز آریتره ای خود را برای مقابله با تهاجم قریب الوقوع ارتش اتیوپی که مجهز به گازهای اعصاب کشنده و سایر سلاحهای شیمیایی هستند، میکنند. از جمله این آمادگی ها تهیه و ساختن ماسک های ضد گاز است. یکی از مسافریان که هفته اول مرداد از یگانهای مبارزین آریتره ای در شمال آریتره دیدن کرده است گفت چریکها از گاز شیمیایی پلاستیکی که از ذغال جوب پرمیکردند ماسک های ضد گاز میساختند. وی هم چنین اظهار داشت که جنگجویان آریتره ای عینک های رنگی و دودی نیز از فیلمهای مصرف شده و کهنه اشعه ایکس برای مقابله با این گازها درست میگردند. رهبران چریکهای آریتره ای اظهار داشته اند که حداقل پنجاه کارشناس روسی متخصص در جنگهای شیمیایی در اوایل امسال همراه با محموله های گازهای اعصاب کشنده و سایر مواد شیمیایی دشمن توسط کشتی وارد آریتره شده اند. ارتش مزدور اتیوپی که زیر نظر کارشناسان روسی، کوبا پس و تحت فرماندهی افسران روسی است پس از اینکه توسط بمباران ها و توپ و تانک نتوانست رزمندگان آریتره ای را شکست دهد اکنون به وحشیانه ترین عمل خود یعنی بکار بردن گازهای سمی و مواد شیمیایی متوسل شده است.

تبعید رهبر اتحادیه کارگری روسیه

در تاریخ دوم تیر ماه امسال مقامات شوروی یکی از موسسین و رهبران "اتحادیه عمومی آزادکارگران" روسیه را بنام ولادیمیر یوریف، دستبند بدست سوار هواپیما نموده و از میهنش خویش تبعید نمودند. همسر و دختر دو ماهه یوریف که هنوز در شوروی

در ده روز سویرجور، رسد به شوروی و پس از آن به روسیه تبعید نمودند. "اتحادیه عمومی آزادکارگران" در سال ۱۳۵۶ با هدف ایجاد سازمان مستقل کارگری که زیر نفوذ مقامات دولتی روسیه و جاسوسان گ. گ. ب. بنا شده از زمان رهبران این اتحادیه دائماً در تحت فشار و آزار و اذیت تزارهای کرملین بوده اند.

حزب سوسیالیست ایتالیا و اشغال نظامی افغانستان

حزب سوسیالیست ایتالیا در یک مصاحبه مطبوعاتی که اخیراً در رم برگزار شد از کلیه نیروهای سیاسی منجمله احزاب "چپ" اروپای غربی درخواست نمود که اسلحه و مهمات، مسواک غذایی و دارو به مبارزین افغانی که هم اکنون زیر حملات وحشیانه روسها قرار دارند ووارسال نمایند. مصاحبه کنندگان تجاوزات روسیه را به مبارزین افغانی محکوم ساختند و در این مورد اشاره به بمب های نایالم و هلیکوپترهای جنگنده می - ۲۴ روسی در افغانستان نمودند. آنان همچنین از کلیه نیروهای سیاسی خواستند تا کمیته های دفاع از افغانستان مراکز اطلاعاتی ایجاد کنند تا از این طریق به مبارزین افغانی کمک های مادی ارسال نمایند. حزب سوسیالیست ایتالیا در نظر دارد تا دو ماه دیگر در یک کنفرانس بین المللی در این مورد در رم بر گزار نماید.

تنها با همبستگی

از صفحه اول

نه غربی در ترکیب هیئت رئیسه حکم میکرد که در کنار ایران بمنابه میزبان کنگره و جنبه آزادیبخش فلسطین به عنوان نماینده برجسته مبارزه علیه ابر قدرت غرب، نماینده مردم افغانستان نیز حضور میداشت. اما این پیشنهاد نه تنها از طرف برگزار کنندگان کنگره مطرح نشد، بلکه حتی طرح آن توسط برخی هیئت نمایندگی با مخالفت انحصار طلبان روسو گشت تا جایی که کار به رای گیری کشید و با اختلاف بسیار ناچیزی نماینده "جنبه آزادی بخش عمان" بعنوان نفر سوم هیئت رئیسه برگزیده شد.

بخاطر داشته باشیم که این بار اول نیست که به جنبش آزادی بخش مردم افغانستان چنین برخوردی میشود. در کنگره سازمانهای آزادیبخش جهان که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران برگزار شد نیز علاوه بر اینکه از نمایندگان جنبش مردم افغانستان ابتدا دعوت بعمل نیامد و سپس با تاخیر به کنگره دعوت شدند، در آنجا هم راهی به هیئت رئیسه کنگره نیافتند.

اینگونه برخورد به مبارزه مردم افغانستان را چگونه میتوان توجیه کرد؟ آیا این به معنی عدول از معیارهای مکتبی در پشتیبانی از مبارزه مستضعفین جهان علیه دو ابر قدرت و رها کردن پرچم نه شرقی، نه غربی جمهوری -

اسلامی نیست؟ بخصوص کتنام خواهد حاکی از آنند که علیرغم سروصداهای زیاد و ادعاهای فراوان، از جانب جمهوری اسلامی ایران کمکی برادران رزمنده افغانی نمیشود.

تا و سایر نیروهای استقلال طلب بارها تاکید کرده ایم که دفاع سیاسی و مادی از مبارزه مردم افغانستان علاوه بر انجام وظیفه انقلابی در قبال ملت همکیش و برادر افغانستان، دفاع از موجودیت کشور ایران و انقلاب اسلامی نیز هست. زیرا که خیال باطلی است اگر تصور شود ارتش تجاوزگر روسیه پس از بلعیدن افغانستان بر سر مرزهای ایران متوقف گشته و از رسیدن به خلیج فارس صرف نظر خواهد کرد.

علاوه بر این، مردم جهان و بخصوص مسلمانان، صحت ادعاهای مسئولین جمهوری اسلامی دایر بر لزوم کمک به مستضعفین جهان را در وهله اول در رابطه با چگونگی کمک به مردم افغانستان محک خواهند زد زیرا کسی که به جنبش رها تبخشی و انقلابی خلق همسایه و برادر خود کمک نکند بعد است که در کمک به سایر جنبشها در آفریقا یا آسیای شرقی جدی باشد.

چونگی انتخاب هیئت رئیسه کنگره قدس بار دیگر برخورد نادرست و فرصت طلبانه انحصار طلبان را در مورد جنبش مردم افغانستان را برملا ساخت. برخوردی که ناسف آور است و هر چه زودتر باید تصحیح شود.

نگته دوم مربوط میشود به چگونگی رابطه و برخورد میان نیروهای انقلابی

برنا مدتیست که در ۱۹۷۶ در این کشور ۲/۶ درصد از اشتغال در حالیکه هم اکنون که زمان پایان این برنامه نزدیک می شود انتظارش میرود که میزان این رشد بتواند از ۱/۲٪ فراتر رود یعنی ۲/۴٪ کمتر از میزان پیش بینی شده. شکی نیست که ادا ماهیسن وضع در برنا مینج سال بعدی نیز مشاهده خواهد شد. به همین منظور است که جهانخواهران روسی برای تاء مین بخششی از نیازهای خود از هم اکنون شروع به عقد قراردادها با انحصارات تراپنی و گرفتن وام از بانکهای این کشور کرده اند.

اقتصاد جنگی روسیه و شتاب و عطرش این ابر قدرت نوخاسته برای از میدان بدر کردن ابر قدرت آمریکا و کسب سر کرده گراشی برجها، بشدت برداشته و عمیق تا موزونی تکامل رشته هسای گوناگون تولیدات فزوده است، به نحویکه علاوه بر ضعف و فطرت در تولیدات کشا و رزی و کالاهای مصرفی، جهانخواهران روسی بسرای نیل به هدفهای گستاخانه خود در جهت مسلح شدن هر چه بیشتر، بناچار باید متحمل زیانهای ناشی از عقب ماندگی رشته های اصلی تولید صنعتی یعنی فولاد سازی باشند.

روسیه کنونی یک کشور امپریالیستی است. تضادهای ذاتی سیستم سرمایه داری انحصاری بنا گذرید در روسیه امپریالیستی با شدت و حدت هر چه بیشتر نمایان خواهند شد و جهانخواهران کرملین نشین را از این تضادهای ذاتی گریزی نیست.

و سازمانهای آزادی بخش.

در حاشیه برگزاری کنگره های از نوع کنگره آزادی قدس این سوال به حق مطرح می شود که رابطه میان جنبش های گسترده و قدرتمند و حرکت های آزادیبخشی که هنوز کوچک و ضعیفند چگونه باید باشد.

معیارهای اصیل و انقلابی حکم می کنند که این رابطه باید رابطه ای برابر، برادرانه و سرشار از شور و عواطف انقلابی و به دور از هرگونه خود مرکز بینی، تحکم یا دنباله روی باشد.

روابط برابر و برادرانه بدان معنی است که پیروز گشتن نهضت انقلابی در یک کشور و یا قدرتمند بودن یک جنبه آزادیبخش، نباید مزیتی برای آن نهضت یا جنبه نسبت به سایر سازمانها و حرکت های انقلابی باشد. روابط برابر بدان معنی است که سازمانهای آزادیبخش اعم از بزرگ و کوچک دارای حقوق مساوی بوده و هیچیک از آنها و به هیچ دلیلی حق بازی کردن نقش "برادر بزرگ" را ندارند و برخورد آنها به یکدیگر باید برخوردی متواضعانه، فروتنانه و ملو از روحیه آموزش متقابل باشد.

البته نیروهای انقلابی که در مبارزه پیروز گشته اند و یا سازمانهای انقلابی که قادر گشته اند خلق خود را متحد و متشکل ساخته و قدرتمند شوند دارای تجارب و دستاوردهای فراوانی هستند که سایر جنبه ها و نیروها باید از آنها بیاموزند. اما اطاعت از این

حقیقت مهم که انقلاب هر کشور تنها با توجه عمیق به ویژگی های آن کشور و بدست مردم آن میتواند به پیروزی برسد، حکم میکند که از هرگونه الگو سازی و کپی برداری و دنباله روی از یکسو و خود را بر تراز دیگران پنداشتن و خویش را "تافته جدا بافته" انگاشتن از سوی دیگر برهیز نمود.

هرگونه برخورد انگیز و از بالا نسبت به دیگر نیروهای انقلابی و یا خود را موظف به "نسخه یچی" برای سایر کشورها دانستن نشانه نوعی انحطاط در ایدئولوژی و سیاست است و نه تنها حساسات انقلابی دیگران را جریحه دار میکند بلکه حتی در صورت مؤثر بودن تنها روحیه نوگر منشی و دنباله روی را رشد داده و در تحلیل آخر برخلاف موازین انقلابی و بزیان انقلاب است.

انقلاب اسلامی ایران نیز تنها با پیروی از این اصل است که میتواند ارزش انقلابی خود را در خانواده کشورهای آزاد شده جنبش های آزادی بخش حفظ و تحکیم نماید. کسانی که تصور میکنند پیروزی انقلاب ایران، آنان را محق به امر و نهی به دیگران و برانداختن و دستور العمل صادر کردن برای انقلاب سایر کشورها کرده است باید بدانند که این کار آنها هم به وجهه انقلاب ایران لطمه میزند و هم به وحدت و قدرت جنبه کشورهای و جنبه های آزادیبخش در مبارزه علیه امپریالیسم زیان میرساند.

حقوق دمکراتیک مردم و رهبری چریکها (اکثریت)

باز باند کشتگر - نگهدار که زنجیر عبودیت روسیه را بگردن انداخته، فقط مدافع حقوق دمکراتیک طرفداران سوسیال - فاشیسم است

حمله گروههای غیرمستول بهدفا ترا حزب و گروههای سیاسی آشفته بازاری را پدید آورد و فرصتی شد تا با ندکشتگر - نگهدار - را رودسته غاصب رهبری سازمان چریکها (اکثریت) دست خود را رو کند و علیرغم موضع صریح اخیر تمام عناصرو گروههای جنبش چپ در دودهه اخیر، حزب توده را جزء نیروهای "ضد امپریالیست و مترقی" جا بزند. و تشکیل "جبهه متحد خلق"، در واقع "جبهه متحد ضد خلق" را که مدتها بود عملا ایجاد شده بود، علنا اعلام نماید.

اما قلمداد کردن حزب توده جزء نیروهای "ضد امپریالیست و مترقی" و دفاع آشکار از آن آقدر شتابزده بود که حتی هواداران چریکها را مات و مبهوت کرد. از اینرو با ندآقایان کشتگر - نگهدار در شماره بعدی ارگان خود (کا ۶۹) چنین عنوان کردند که آنها حتی از زمان نخست وزیری با زرگان حزب توده را جزء نیروهای "ضد امپریالیست" میدانسته اند و از آن دفاع مینمودند و بنا براین دفاع امروزشان چیز عجیبی نباید باشد.

بهر صورت این آقایان در نوشتن این توجیه نامه آقدر شتابزده بودند که در با اصطلاح تحلیل "مارکسیستی" شان از جمله بهدفا ترگروهها، در یک بار آگراف از جمله به حزب رنجبران ایران که آنرا از جمله "جاسوسان امپریالیسم آمریکا" قلمداد کرده اند، سخن میگویند و درست، اصولا جنبش نوین انقلابی ایران پس از ۱۵ خرداد ۴۲ در ارتباط با خط کشی قاطع و روشن با خیانتها، پورتوئیسم ساژشکاری و سپس رویزیونیسم

نگهدار که مدتها خود را وارث خون شهیدان سازمان چریکها میدانست، در ظاهرنیز چهره واقعی خود نشان داد و ساژشکار و خائن را "ضد امپریالیست و مترقی" معرفی میکند. بدیهی است که این عمل از یکسوزیر پا گذاردن اصلی ترین معیار جنبش چپ می باشد، و از سوئی دیگر با بدادن آشکار همه آن چیزی است که بنیانگذاران "سازمان چریکها" خون خود را بخاطر آن فدا کردند. چرا با ندکشتگر - نگهدار مواضع بخشی از سازمان چریکها نسبت به حزب توده را ۱۸۰ درجه عوض کرده است؟ آیا حزب توده تغییر ماهیت داده است و ضد امپریالیست و مترقی شده است؟ خیر، این رهبری آن بخش از سازمان چریکها است که تغییر ماهیت داده و از جبهه گسترده خلق زحمتکش ایران به جبهه انقیاد ملی روسی گریخته است.

با ندآقایان کشتگر - نگهدار در مقاله مذکور فقط به حزب رنجبران نیست که تاخته و فحاشی کرده است. "جبهه ملی" جریانات سه جبهه ای، محافل و دستجات لیبرالی و تمام آن نیروها شای که "امپریالیسم جهانی" بسرکردگی امپریالیسم آمریکا "را قبول ندارند و معتقد به دوا بر قدرت آمریکا و روسیه هستند، از جمله تمام خلق قهرمان ایران، همه مورد حمله قرار گرفته اند. این آقایان فقط برای حق سوز دموکراتیک نوگران روسیه و مبلغین سوسیال - فاشیسم سینه چاک میدهند و بس!

نگاهی به دوروبر خود نیاندازید و بهدفاع با ندکشتگر - نگهدار از "حقوق دمکراتیک" گروهها،

میکند. اما با ندآقایان کشتگر - نگهدار که خارج از مدار خلق زحمتکش ایران زندگی میکند و به رویا های "میهن سوسیالیستی" خود در زیر سلطه امپریالیسم روسیه میاندیشند، این مسائل را درک نمی کند. آنان فقط به فکر دفاع از موجودیت خود و مزدورانی از قماش بانند کیا نوری هستند. از نظر آقایان بقیه نیروها و بویژه نیروهای ضد دوا بر قدرت نه تنها حقوق دمکراتیک ندارند بلکه با بد "در هم شکسته شوند". این چنانی جز فاشیسم چیست؟

خوب است یک مقایسه تاریخی در مورد حزب توده در دوران شاه و رهبری غاصب چریکها در جمهوری اسلامی بعمل بیاوریم تا روشن شود چگونه با ندکشتگر - نگهدار دقیقا همان راه بانند کیا نوری را می پیماید.

در دوران رژیم شاه حقوق دمکراتیک مردم ایران از نظر حزب توده، فقط حقوق حزب توده و قانونی شدن آن معنی میداد. شعار مرکزی حزب توده در آن زمان این بود "جوهر آزادیهای دموکراتیک آزادی فعالیت حزب توده ایران است"

اکنون نیز برای بانند کشتگر - نگهدار، این جیره خواران نوپای سوسیال فاشیسم روسیه، حقوق دمکراتیک مردم و آزادی سیاسی به قانونی شدن آنها و حقوق دمکراتیک خود و برادر بزرگتر شان حزب توده محدود میشود و میلیونها انسانی که در همه تظاهرات فریاد میزنند مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی از نظر آقایان چون "ضد امپریالیست" نیستند، از ای حقوق

رئیس جمهور: نباید در برابر سختیها نگران و هراسان باشیم

که از شنیدن مشکلات ما بیوس می شوند چگونه لیاقت زندگی در یک جبهه ای را دارند که سر اسر شکل و توطئه و تحریک و نقشه کشی برای حاکمیت علیه حاکمیت بر ملت های ضعیف است. وی پس از اضافه کرد: راه طولانی است و در این راه سختی های بسیار داریم اما حماسه ما همین در افتادن با سختی ها است و نباید در برابر آنها نگران و هراسان باشیم هر وقت که اساس انقلاب مادچار خطر بشود همین چهره ها رعند گویان میگردند و نوید میدهند که جای یاس نیست.

دکتر ربی صدر در سخنرانی دیگری در ساعت ۱۱ شب در مهدیه تهران شرکت کرد و به مسائل مردم پرداخت. وی به مسئله هماهنگی در ارگانها اشاره کرد و گفت: کشوری که در محاصره اقتصادی و نظامی است نمیتواند بدون وجود یک هماهنگی در ارگانها پیش بطور سالم ادامه حیات بدهد. در محیطی که بنیاد مستضعفان زندان داشته باشد، سپاه پاسداران، ارتش شهر بانی کمیته ها و... زندان داشته باشد حکومتقا در بهاداری نیست. وی سپس اظهار امیدواری کرد که ملت بتواند با قاطعیت با این هرج و مرج پایان دهد. رئیس جمهور سپس به نقش تعیین کننده توده های مردم در امراد ما انقلاب اشاره کرد و گفت: عده ای فکر میکنند که اقلیتها با پیدا موراداره کنند و مردم قادر به ادا راه مور نیستند اگر مردم در مورشان مشارکت نکنند همواره این خطر وجود دارد که گروهها با هم رقابت کنند و یکی برود و یکی بیاید و بدون حضور مردم جریان نیابد.

دکتر ربی صدر، رئیس جمهور در روزهای ۱۹ و ۱۸ ماه جاری سخنان مهمی درباره اوضاع فعلی کشور و مسائل حادث کنونی که در مقام بل پیشرفت روندا انقلاب اسلامی ایران قرار دارد، ایراد کردند که ما در اینجا بعلمت اهمیت آنها به ذکر قسمت ها می پردازیم. در سخنرانی ۱۸ مرداد در مسجد الجواد دکترین صدر ضمن تاءکید بر حکومت عدم زور گفت:

در جلساتی که عموم از آنها مطلع نمی شوند، از آنها شنیده شده که کشور ما را جریه شیهه استبدادی نمی توان ادا ره کرد و حالا که ضرورت دارد چرا ما خود آنرا بکار نبریم و بگذاریم که از نوع اعمال خارجی بیایند و آنرا بکار ببرند و دقیقاً در این جا است که ما باید هوشیار باشیم که استبداد نمی تواند جز تکیه بر عامل خارجی مستقر بشود. خصوصاً در کشوریکه وابستگی های فرهنگی، نظامی و اقتصادی او بیخارج مرزها بسیار است و وقتی یک قدرت به استبدادگرایش پیدا کرد و شیوه استبدادی گرفت، از مردم جدا میشود و برای حفظ خود محتاج نیروهای روزافزون میگردد و چون این نیروهای روزافزون را جا معه با و نمی دهد و بیای نمی تواند بدهد و باید از خارج بگیرد و استخدا کند و از همین جا است که آن استبداد متکی به قوه خارجی که از در بیرون رفته، با زانو، از پنج سره وارد میشود.

رئیس جمهور در ادا مه سخنان خود را جمع به مسائل اساسی ایران گفت:

جامعه را با دید بسوی مسائل اساسی کشاند و در آنجا است که باید استبدادگی او را

کامل امپریا لیسیم آمریکا و ایادی داخلی آن که در خیلی از موارد زیر پوشش دفاع از اسلام عمل میکنند "قلمداد میکنند. یعنی که جاسوسان امپریا لیسیم آمریکا در لباس اسلام به دفاع از "جاسوسان امپریا لیسیم آمریکا" حمله میکنند با نفاقیان کشتگر - نگهدار را ز یک طرف حملات به دفاع تر گروههای سیاسی را نشانه و رشکستگی سیاسی میدانند که "خود را قادر به مبارزه سیاسی در شرائط دموکراتیک نمیبیند" و از طرف دیگر همین آقاییان "خواهان در هم شکستن..... مبلغین ثنوری سه جهان و دار

تحل گرفت. این جنبش خیا نتهای سران فراری حزب توده را با خون خویش پاک نمود و به خلق زحمتکش ایران نشان داد که کمونیست های واقعی در کنار رو بیاض پیش مردم زندگی و مبارزه میکنند و تنها مثنی خائنین خود فروخته اند که زیر پرچم "سوسیالیسم" سراز مسکو و اروپای شرقی در میآورد سازمان چریکهای فدائیی خلق نیز خود در چنین جو و بسا همان پرچم متولد شد. خون بنیانگذاران این سازمان چون احمد زاده ها و پویانها نیز و شیفته جبران خیانت های سران حزب توده گشت. اکنون با نندکشتگر -

کنید چه نیروهای دیگری باقی میمانند که مورد حمایت این آقاییان قرار گرفته اند و این حضرات خواستار رعایت حقوق دمکراتیک آنها هستند؟ تنها حزب توده . خوب بود این آقاییان روز قدس که روز گره شدن دستها علیه امپریا لیسیم است سری به خیابانها میزدند تا ببینند که خلق محروم و ستمدیده ایران چگونه از مدل شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی را سر میداد. گرچه این شعار اصولا جزو شعارهای ستاد دیرگزار روز قدس نبود، ولی به شعار اصلی خلق ایران تبدیل شد، چون واقعیات زندگی چنین حکم

"جبهه متحد ضد خلقی" مرکب از با نندکیا نوری و با نندکشتگر - نگهدار برای به انقیاد کشیدن ایران علنا تشکیل شده است. جای باندرهبری چریکها (اکثریت) در این جبهه با وظیفه ای که هم اکنون بعهده گرفته است، روشن میشود. با نندکشتگر - نگهدار زنجیر عبودیت را رودسته کیا نوری را به گردن انداخته است و به مهره فاعلی برای عملی ساختن سیاستهای ستون پنجمی امپریا لیسیم روسیه تبدیل شده است.



کینه توزی نسبت به ... از صفحه اول

پیروزیها و دستار و دهیای مبارزات توده ها به حساب آورده و از هراشتباه خطایی میبیرا جلوه میدهند. آنها برای ما حساب شدن همه افتخارات و دستاورد های مبارزات توده ها در مبارزه علیه ملی گرائی مترقی تا آنجا میروند که علاوه بر نفی نقش آنها در تاریخ حتی نقش دکتر مصدق را که رهبر ملی مردم بود و سالها برای ملی کردن منابع نفت همدوش توده ها مبارزه کرده بود را نیز نفی میکنند. تازه به این عمل هم بسنده نکرده و به لجن پراکنی برجسب زنی و پیرونده سازی علیه او دست می زنند. توهین انحصار طلبان به مصدق تنها توهین به شخص وی نیست. مصدق سمبل مبارزات ضد امپریالیستی و ضد رژیم ملی مردم و رهبر ملی نهضت آنان بود. توهین به او توهین به خلق است، توهین به میلیونها توده مردم است که با قبول رهبری مصدق به مبارزه علیه امپریا لیسیم و عمالش بیاختسند، توهین به کسانی است که برای

کارگران میگویند: در زمان طاغوت علاوه بر سود ویژه، یکما حقوق بعنوان عیدی، یکما بعنوان پاداش و مقداری بعنوان مزایا دریافت میکردیم، اما حالا همه اینها را لغو کرده اند و بجای آن وعده تنها دو ماه حقوق بماند.



با زگرداندن مصدق با شعار یا مرگ یا مصدق به خیابانها و جلوی تانکها و تویهای رژیم وابسته شاه ریختند و حماسه غرور آفرین سی تیراآفریدند. این عمل انحصار طلبان ثابت میکند که آنها بعلت جدا نشدن از توده ها و اتکانشان به آنها

بخاطر ضعف در مبارزه سیاسی ناچارند از این شیوه های مبتذل استفاده و تار و پود واقعیات را تحریف نمایند. اما آنها با این کار خود روز به روز بیشتر از زمین توده ها جدا خواهند شد و نخواهند توانست خللی در افکار و اعتقادات آنها بوجوود

آورند. چرا که توده های استقلال طلب ما، میهن دوستان و خدمتگزاران واقعی میهن و استقلال را می شناسند و عمیقا به آنها ایمان و اعتقاد دارند و بهیچ وجه فریب این افتراها و تهمت ها را نمیخورند.

از بیس با برداشت، بستن، سر، مهمترین مسائل ایران در حال حاضر مسائل وابستگی است تا ما وابستگی ها به قدرت های خارجی را از بین ببریم بقیه حرفها نوعی اصلاح طلبی با رنگ و لعاب انقلابی است و فلابی. و من چون این مطالب را با صراحت با شما در میان می گذارم خواهی نخواهی می بینند و می کوشند از طریق انواع حیلها و ایجاد شبهه ها امر را بر مردم متشبه سازند و از هر مکنای استفاده میکنند و هر جا نتوانند حقیقت را ۱۸۰ درجه عکس می کنند. در پایان این سخنرانی رئیس جمهور ضمن اشارت به سختی ها و تاءکید بر ادا مسه راه انقلاب گفت: غالباً به من میگویند شما مشکلات را به مردم نگویید مردم ماء یوس می شوند ما آن نسلی

رئیس جمهور در قسمتی از سخنانش به تصرف دبیرخانه دانشگاه اصفهان توسط انجمن اسلامی اشاره کرد و گفت کسه علی رغم تقبیح و انتقاد آنان از طرف دانشجویان اسلامی، مقامات شهری و مردم، اشغال کنندگان حاضر به تخلیه محل نشده اند و کمیته وسپاه پاسداران نیز اقدام به تخلیه آنجا نکرده اند. دکتر بینی صدر سپس اضافه کرد که ۹۷/۴ درصد مردم خواهان راه حل ها می هستند که بتوانیم به تها هم برسیم. وی در پایان افزود: من دسته و گروهی ندارم بنا بر این این شما هستی که وقتی از شما دعوت به جمع شدن کردم با بیدماری رسانید و نکرد بیاید تا مسئولیتهای خطیری که بعهده من است را با استواری انجا مدهم.

تصحیح و پوزش

دیگر آنکه درستون دوم سطر ۳۳ همان مقاله "هواداران جزئی" اشتباها بصورت "هواداران حزبی" آمده بود. در ضمن در مقاله سخنان امام "بمناسبت روز قدس" دوبار راگراف اشتباها جا جا بجا رسیده بود. بدینوسيله از خوانندگان "رنجبر" بخاطر اشتباهات نامبرده یوزش میطلبیم.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را بانک ملی ایران شماره حساب ۴۵۳۶۸

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر